

شرح واژگان علم جغرافیا در روابط روستایی - شهری

حسن مومنی

دانشجوی مقطع دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی

hassan_momeni679@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰

چکیده

علم جغرافیا، علمی است چند بعدی و کلی گرا از همین رو مسائل آن در گستره وسیعی نمود و کاربرد دارد، جغرافیا محدود به یک پدیده یا یک جزء نیست، عامل چندبعدی بودن جغرافیا سبب می شود که نخبگان این علم همواره با مسائل گوناگونی برخورد کنند، در این حین تعاملاتی بدیع شکل می گیرد که باعث گسترش مفاهیم علم جغرافیا می شود. بنابراین تفسیر مفاهیم به وجود آمده، از ضروریات تعالی علوم مختلف به ویژه جغرافیاست. ورود مفاهیم جدید در جغرافیا به خلق و کشف اسرار پنهان آن می انجامد و با پرده برداری در شرح مفاهیم، زیبایی درونی آن دوچندان خواهد شد. چنانچه تصورات کلی و عمومی از علم جغرافیا به عنوان یک اطلس تصاویر و معلومات صرف نقشه جهانی، به کلی تغییر خواهد کرد. لیکن این نگرش نشان میدهد که نه تنها علم جغرافیا با ابعاد بسیار گسترده به تحلیل کمی و آماری پدیده ها می پردازد بلکه با نظرات عینی به ارزیابی اجتماعات و جوامع انسانی، فرهنگ، تفکرات و اندیشه ها پرداخته و بررسی کیفی زندگی در محیط های مختلف انسان ساخت مبادرت می کند. از اینرو واژگان آشنا در مباحث علم مذکور مورد تعریف است: جغرافی، توسعه، برنامه ریزی، برنامه ریزی روستایی، آمایش سرزمین، کالبد (برنامه ریزی کالبدی)، فضا، مکان، فضا و مکان، اقتصاد فضا، رویکرد فضایی، نظام های فضایی، پوشش ساختاری-کارکردی، ساختار فضایی، سازمان فضایی، عملکرد فضایی، یکپارچگی فضایی، کنش متقابل فضایی، بازساخت فضایی، ساماندهی فضایی، سازماندهی فضایی، برنامه ریزی فضایی، عدالت فضایی، جریان/حرکت فضایی، دامنه عملکرد، موقعیت کارکردی، عرصه/سطوح فضایی، رابطه/پیوند، کانون/محور/پهنه، منظومه/مجموعه/حوزه، تحلیل شبکه، حکمروایی محلی، متنوع سازی فعالیتها، معیشت پایدار، دگرگونی محیطی، سیستم، پایداری، مزیت، مخاطرات محیطی، روش کمی و کیفی، از نتایج این دسته بندی، جمع آوری برگزیده واژگان مطرح در علم جغرافیاست که به صورت یکجا و خلاصه، دسترسی به آن آسان باشد. بنابراین در ادامه، مستقیماً شرح واژگان بیان می گردد و از توضیح فرآیند تحقیق پرهیز شده است.

کلید واژگان: مفاهیم جغرافیایی، واژگان بنیادین، تعاریف و تشریح.

جغرافی (Geographi)

جغرافی یا جغرافیا در ساده ترین تعریف به معنای توصیف ترسیمی زمین می تواند باشد. در فرهنگ معین، جغرافیا دانشی است که دربارهٔ زمین و تقسیمات طبیعی، سیاسی، جغرافی و انسانی آن بحث میکند و آن شامل اقسامی است. از دوره ای که علم جغرافیا در بسیار از پیشرفتهای بشر دخیل شد به تدریج مفهوم جغرافیا نیز بسط پیدا کرد و درباره آن هر دوره تعریفی جدید ارائه شده است که میتوان باتوجه به شرایط زمانی و تجربیات قبل تعاریف جدید را کامل کننده تعاریف گذشته دانست. از تعاریفی که در این علم بسیار مورد توجه و شناخت است، علم پراکندگی و روابط متقابل انسان و محیط در جغرافیا است. به طور کلی از علم جغرافیا تعاریفی متعدد ساطع شده است که برخی را متقاعد کرده برای این مفهوم تعریفی محض وجود ندارد اما ژرفای علم جغرافیا نشان میدهد تعریف علم جغرافیا بسیار کامل است لیک نگرشها و مکاتب آن متفاوت بوده و تعاریف همراستای نگرش آن مکتب است بنابراین دیدگاهها اختلاف دارد. از کاملترین تعاریفی که در این رابطه ارائه شده است میتوان به این تعریف اشاره نمود که جغرافیا پراکندگی، افتراق و باز ساخت مکانی- فضایی پدیدهها را در ارتباط با ساختار اجتماعی- اقتصادی تبیین می کند (شکوئی، ۱۳۹۳: ۱۹).

توسعه (Development)

مفهوم توسعه، فرآیندی همه جانبه است و معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه میباشد. ابعاد مختلف توسعه ملی عبارتند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و توسعه امنیتی. به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان رشد را دربردارد، شامل دگرگونیهای اساسی در ساختارهای اجتماعی و طبیعی است. توسعه به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشهها و بصیرت های تازه است که در دوران مدرن، شامل سه اندیشه علم باوری انسان باوری و آینده باوری تعریف میگردد. به همین منظور برای نیل به توسعه سه اقدام اساسی؛ درک و هضم اندیشههای جدید، تشریح و تفضیل این اندیشهها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشهها صورت پذیرد (عظیمی، ۱۳۹۴: ۲).

برنامه ریزی (planning)

مجموعه اقدامات که در راستای مسیری مشخص طی میشود تا از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب (هدف) ختم گردد. برنامه ریزی را میتوان علم اداره و کنترل سیستم ها به منظور بهبود زندگی انسانها تلقی نمود یا فرایندی برای رسیدن به اهداف است. بسته به فعالیتها، هر برنامه می تواند بلندمدت، میان مدت یا کوتاه مدت باشد. برنامه ریزی، نوعی پدیده عینی اجتماعی است و خصوصیت های ویژه خود را دارد در عین حال، یک رویداد منحصر به فرد نیست که دارای یک ابتدا و انتهای مشخص باشد بلکه یک فرایند مستمر و دائمی و منعکس کننده تغییرات و درصدد رسیدن به اهداف است. متخصصین از زوایای متعدد برای برنامه ریزی تعاریف مختلف ارائه کرده اند که برخی از آنها از این قرار است:

۱. تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن،
۲. تصمیم گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد،
۳. تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راهها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند،
۴. طراحی عملیاتی که شیئی یا موضوعی را بر مبنای شیوه ای که از پیش تعریف شده، تغییر بدهد.

زمانی که بحث برنامه مطرح میشود، اصولی با چارچوب هدفمند برقرار است زیرا برنامه به مثابه پیش از اجراست و نقایص آن رفع و به عبارتی تمامی فرآیندهای لازم در آن گنجانده شده است. برنامه ها از لحاظ زمانبندی دارای تقسیمات هستند همچنین برنامه ها از منظر اجرا و رسیدن به هدف گوناگون هستند.

برنامه ریزی روستایی (Rural Planning)

علم برنامه ریزی بطور جدی و فعال در قلمرو جغرافیا مطرح است. به همین جهت جغرافیدانان می توانند به عنوان یکی از موجه ترین عاملان در برنامه ریزی ها عمل نمایند. زیرا برنامه ریزی ناحیه ای برنامه ریزی شهری و برنامه ریزی روستایی شاخه هائی علم جغرافیای انسانی است. برنامه ریزی روستایی نسبت به برنامه ریزی ناحیه ای و شهری در دهه های اخیر مطرح گردیده. بعد از انقلاب صنعتی با پیشرفت تکنولوژی و افزایش جمعیت، نیاز به مواد اولیه برای صنعت و غذا برای جمعیت روز به روز بیشتر از پیش در جهان احساس می گردید و عموماً روستاها به عنوان منابع اصلی تولید این مواد، چهره نمائی می کردند. از اینرو روستا مورد توجه قرار گرفته و برای بهره مندی هرچه بیشتر از منابع و تولیدات این علم به خدمت گرفته شد. در چنین شرایطی بوده که برنامه ریزی در روستا به منظور تامین نیاز صنایع و مواد غذایی عنوان گردید و برای نیل به آن شناخت مسائل روستایی و برنامه ریزی جهت رفاه ساکنان روستا و حفظ محیط زیست روستاها به صورت امری اجتناب ناپذیر در آمد. بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان با افزایش تکنولوژی و مدرنیزه کردن روستاها و افزایش تولیدات کشاورزی، تغییرات وسیعی به روستاها داده و موجب تغییر چهره آن شدند. بدیهی است که این تغییرات به مراتب در حومه شهرها بیشتر از روستاهای دور افتاده عمل نمود. به عبارت دیگر می توان گفت که به مقدار قابل توجهی میزان تاثیرات تکنولوژی و اعمال برنامه ریزی در روستاها نسبت معکوس با فاصله روستاها تا مراکز شهری و تکنولوژی داشته است. از طرف دیگر با گسترش شهرها که عموماً با صنعتی شدن و توسعه خدمات همراه بوده است سیل مهاجرت از روستاها به سوی شهرها ادامه یافت و جمعیت روستاها تقلیل پیدا نمود و با توسعه صنایع بسیاری از منابع طبیعی رو به کاهش نهاد و برخی از آنها نیز مانند رودخانه ها در معرض آلودگی و انهدام قرار گرفت و این امر خود نیز موجب کاهش و یا تاثیر در کاهش جمعیت برخی از مناطق روستایی شد (مهدوی ۱۳۶۹: ۱). از اینرو ایجاد برنامه های مؤثر روستایی بیشتر نمود یافت.

آمایش سرزمین (Spatial Planning)

واژه *Spatial Planning* در برنامه ریزی فضایی نیز کاربرد دارد، اما واژه *Processing Region* به معنای پردازش مناطق خیلی با معادل آمایش سرزمین غریب نیست. آمای یعنی آراینده و آمایش اسم مصدر آمای، به معنی هنر یا فن جای دادن با نظم و ترتیب و همراه با آینده نگری انسانها، فعالیتها، زیرساختها و وسایل ارتباطی در خدمت انسانها در فضای کشور با در نظر گرفتن الزامات طبیعی، انسانی و اقتصادی می باشد. در معنای دیگر آمایش یعنی تخصیص جمعیت و فعالیت به نواحی گوناگون سرزمین که به عنوان هدف اصلی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور عنوان شده است. (توفیق، ۱۳۹۵: ۱۵). آمایش سرزمین، ارزیابی نظام مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه بهره برداران در انتخاب گزینه هایی مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی در جهت برآورد نیازهای جامعه است (FAO, 1993) به بیانی دیگر توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیای کلیه فعالیت های اقتصادی - اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می گویند. از مهم ترین خصوصیات

برنامه آمایش سرزمین جامع نگر-کیفیت و سازماندهی فضایی آن است. پایدارترین آرایشی که به سه مؤلفه مهم جمعیت- سرمایه- منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می‌شود برنامه آمایش سرزمین نامیده می‌شود (قیومی، ۱۳۹۴: ۳۴). تنظیم رابطه بین انسان فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به منظور بهره‌برداری منطقی از جمع امکانات در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع بر اساس ارزش‌های اعتقادی سوابق فرهنگی یا ابزار علم و تجربه در طول زمان است که جزئی از جغرافیا محسوب می‌شود. در فرهنگ لغات لاروس، آمایش به معنای بهترین نوع توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی باتوجه به منابع طبیعی و انسانی تعریف شده است. بر اساس مفاهیم جدید آمایش سرزمین به معنای سازماندهی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و محیط زیستی به منظور تحقق آینده مطلوب تلقی می‌شود. در انگلیس به مفهوم برنامه ریزی فیزیکی مد نظر قرار گرفته (کلانتری و عبدالله زاده، ۱۳۹۴: ۱۹).

کالبد (Framework) (برنامه ریزی کالبدی)

کالبد به معنی قالب است که قالب هر چیز باشد. در لغت به معنای قالب خشت زنان است، که در آن گل نهاده بماند و هموار کنند. به عبارت دیگر فیزیک و ظاهر پدیده‌ها کالبد آنهاست. مهمترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steele, ۱۹۸۱). بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص، در ایجاد حس مکان مؤثر است. تأمین فعالیت‌ها از فضا با رضایتمندی از ویژگی‌های متغیر محیط مانند دما، صدا و امکان انجام فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط مانند ابعاد، تناسبات و فرم‌ها به وجود می‌آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی شناختی فرمی و معنایی فضا و هویت مندی با آن حاصل می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۳) این نوع نگرش فرایندی است پویا آینده نگر که با توجه به اشکال تغییر، سازماندهی این اشکال را از جنبه‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی مدنظر قرار می‌دهد تا اهداف توسعه پایدار را تحقق بخشد.

فضا (Space)

نخستین تعریف فضا توسط استرابون ارائه شده که از آن به عنوان اکومن یاد کرده است. یعنی فضایی که انسان در آن زندگی می‌کند. اما گاتمن آن را محدودتر کرده و آن را فضایی می‌داند که دستیابی به آن برای انسان میسر باشد. جغرافی دانان مفهوم فضا را به دو صورت به کار می‌برند.

الف) فضای طبیعی که بر آن قوانین طبیعت حاکمیت دارد؛

ب) فضای اجتماعی که نتیجه کارکرد فعالیت‌های انسانی است و از قوانین اجتماعی تبعیت می‌کند.

بنابراین، فضای جغرافیایی، حاصل فرایندهای طبیعی تغییر یافته بوسیله انسان، شرایط اجتماعی تولید و تقسیم اجتماعی کار در یک کل منتظم است. فضا مانند سایر مفاهیم متافیزیکی بسیار پیچیده است و اغلب متفکران تعریف روشنی از آن ارائه نمی‌دهند. واژه فضا در زمینه متعدد و رشته‌های گوناگون از قبیل نجوم، جغرافیا، فلسفه، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی به طور وسیع استفاده می‌شود لیکن تکرر کاربرد واژه فضا به معنای یکسان از این مفهوم نیست (منافی آذر و جلالیان، ۱۳۹۴: ۳۲). هنری فزارا فقط یک ظرف نمیداند که منتظر پرشدن با پدیده‌ها است و صرفاً حاصل درک و ذهن افراد بر اساس عملکرد حواسشان نیست. بلکه فضا پدیده‌ای پویا و ساخته شده توسط انسانها و به واقع روابط اجتماعی

است (کلانتری و عبدالله زاده، ۱۳۹۴: ۲۰). دیوید هاروی، فضا را به عنوان یک رابطه معنی دار تلقی می کند که نمی تواند مستقل از وضعیت افراد و شرایط محیطی آنها شناسایی و درک شود. او فضا را محصول مجموعه احساسات، تصورات و واکنش های فرد نسبت به نمادگرایی فضایی موجود در محیط می داند. در کتب لغت و واژه نامه های جغرافیایی، فضا پهنه ای از سرزمین تلقی می شود که در صحنه آن نظامهای جریانی - فعالیتی صورتبندی های خاص خود را خلق کرده اند (رفیعیان، ۱۳۷۵: ۳۰۹). فضا، فصل مشترک محیط زیست (طبیعی و انسان ساخت)، انسانها، اجتماعات و فعالیت هایشان می باشد. هنگامی که از فضا سخن گفته می شود، منظور کلیتی از محیط کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است که اجتماعات در آن مستقر هستند. به طور کلی فضا جایی است که پدیده ها با هم کنش متقابل دارند و در آن فعالیت های انسان شکل می گیرد (صرافی، ۱۳۹۰: ۹-۱۱).

فضا مکانی است که انسان در آن زندگی می کند و بدان چشم انداز خاصی می بخشد. «فضا» زائیده مناسبات اجتماعی است. هر جامعه به اشکال مادی و مرئی فضا مثل چشم اندازها و بومها، امکان سازمان یافتگی می بخشد، اما این فضا فقط به پدیدارهای مرئی و مادی محدود نمی شود، بلکه به میدانهای نیرو و جریانها نیز تسری پیدا می کند که تنها با دست یازیدن به نوعی تحلیل جغرافیایی می توان به ماهیت آنها پی برد. فضا را نمی توان تنها یک فضای طبیعی به حساب آورد؛ بلکه این فضا، اجتماعی نیز هست و صورتها و ساختهای آن، آفریده کنش انسانی است (رستم پور، ۱۳۸۱: ۴۰). به طور خلاصه فضا از نقاط و پدیده های مکانی، روابط و مناسبات بین آنها در سطح سیاره زمین تشکیل و متحول می شود (پورا احمد و قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۸). «اولیویه دولفوس» فضای جغرافیایی را چنین تعریف می کند «هر فضای جغرافیایی، فضای سازمان یافته ای است. این سازمان یافتگی با عوامل بسیار در ارتباط قرار دارد، که پاره ای از آنها به محیط طبیعی وابستگی دارند، پاره ای دیگر به نیازها و تمایلات اجتماعات انسانی. این فضای منظم و متباین که می توان حد و مرز آن را تعیین کرد انعکاس خود را در مناظر می یابد (آسایش و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۷). فضا، عینیتی حاصل از نقش پذیری و اثرگذاری افراد و گروههای انسانی در مکان و یا به سخن دیگر، پیامد عملکردهای متعامل ۲ محیط اجتماعی - اقتصادی و طبیعی - اکولوژیک است. از این رو، فضا را می توان نوعی تولید اجتماعی در مکان بشمار آورد. از آنجا که فضا متشکل از اجزائی مرتبط است، می توان آن را یک نظام (سیستم) بشمار آورد و چون این نظام، واقعیتی مکانی - فضایی است، می توان از نظام مکانی - فضایی سخن گفت. «اولمن» فضا را مترادف با واژه موقعیت^۱ یعنی جایی که رابطه بین مکانها را ممکن می سازد تعریف کرده است. به هر حال فضا جایی است که روابط متقابل میان عوامل و پدیده ها در آن صورت می گیرد و به اعتبار دیگر هر رابطه فضایی دارای یک سازمان فضایی است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۷). فرانسوا پرواقتصاددان معروف فرانسوی که اولین معرف فضا در حیطه مباحث توسعه اقتصادی، اجتماعی در دهه ۱۹۵۰ می باشد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۳۷) پرو اعلام داشته که به تعداد روابط تجریدی که معرف یک موضوع باشند، فضا وجود دارد، مانند فضای اقتصادی (شامل هر فعالیت تولیدی) فضای سازمانی (مثل حیطه یک شرکت بزرگ با واحدهایش) و فضای جغرافیایی مثل (یک شهر یا روستا) قابل تمیز هستند (آسایش و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۰). تعریف واضح در مورد فضا را یورگ گروتز چنین ارایه می کند: نزدیکترین تعریف این می باشد که فضا را خلأی در نظر بگیریم که می تواند شیئی را در خود جای دهد و یا از چیزی آکنده شود. فضا موجودیتی نیست که تعریف دقیق و مشخصی داشته باشد، با این حال قابل اندازه گیری است. فضا، در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی کند ولی به محض آن که یک گروه انسانی فعالیتی

^۱- Situation

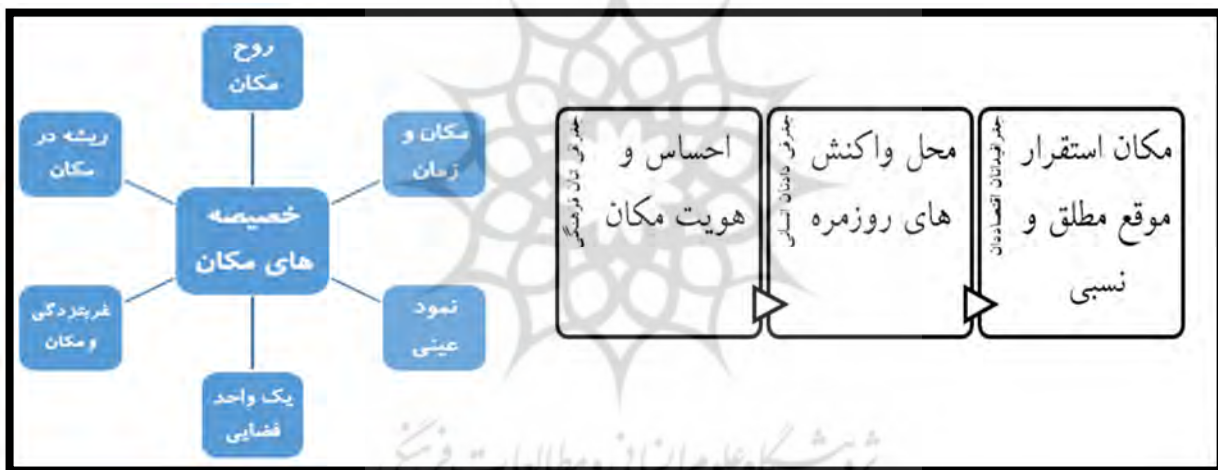
را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می‌شود. از این پس فضا بستری برای بیان فعالیّت و رفتارهای انسانی می‌گردد؛ محلی برای تخیل و واقعیت.

در جغرافیا، مفهوم فضا به دو صورت بکار می‌رود:

- فضای مطلق: دارای کیفیت عینی، واقعی و مشخص و طبیعی است.
- فضای نسبی: به طور مداوم در اثر نیازهای اجتماعی-اقتصادی و شرایط تکنولوژیک در وسعت و فرم تغییر می‌یابد.

مکان (Place):

در فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد، واژه مکان به نقطه‌ای خاص در سطح زمین گفته می‌شود که محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل‌گیری و رشد یافته است. در فرهنگ لغت انگلیسی وبستر نیز علاوه بر مفهوم جغرافیایی، به نحوه و قرارگیری افراد در جامعه در مکان‌های خاص (بعد اجتماعی فضا) اشاره دارد. مدنی پور مکان را بخشی از فضا و دارای بار ارزشی و معنایی می‌داند. و همچنین افشار نادری مکان را نتیجه برهمکنش سه مولفه رفتار انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های فیزیکی تصور می‌کند.



شکل ۱: مؤلفه‌ها و خصیصه‌های مکان.

منبع: سعیدی ۱۳۹۱.

فضا و مکان (Space & Place):

فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم. مکان بخشی از فضا است که به وسیله شاخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی است. مکان به عنوان فضایی محصور و خاص، با شناسه‌ها و معانی تثبیت شده و ماهیتی ایستا همراه است. هویت مکان‌ها در ارتباط با تحولات مداوم در طول تاریخ، پیوسته تعریف و باز تعریف خواهند شد در حالی که مفهوم فضا، پویا و در حال تحرک بوده است. فرایندی توأم با تحول و تکامل است. (لفبوره ۲۰۰۹) فضا را یک رابطه اجتماعی به حساب می‌آورد که با روابط مالکیت و نیز نیروهای تولید عین است؛ از همین رو، آن را با شیوه تولید مترادف می‌داند. از نظر لفبوره عرصه‌های مختلف شکل دهنده به فضا عبارتند از:

۲- Lefebvre Henri

۱) عرصه کالبدی - طبیعت (یعنی عالم واقع)؛

۲) عرصه ذهنی (شامل تجربدهای منطقی و صوری)؛

۳) عرصه اجتماعی؛ یعنی یک فضای منطقی - هستی‌شناختی، فضای اعمال اجتماعی، فضای اشغال‌شده از پدیده‌های حسی^۲، شامل تولیدات صور خیال^۳.

لفبور معتقد است: روابط اجتماعی تولید تنها هنگامی حیات اجتماعی می‌یابند که به طور فضایی پدیدار گردند. این روابط خود را به شکل فضا نمایانگر می‌سازند، یعنی خود را در یک فضا که آن را تولید کرده اند، جا می‌اندازند. وی مفاهیم سه‌گانه حاصل از این فرایند را چنین مطرح می‌کند:

الف - عمل فضایی که شامل تولید و بازتولید و موقعیت‌های استقراری خاص و ویژگی بستر فضایی هر یک از صورت‌بندی‌هاست. عمل فضایی تداوم و تاحدی پیوستگی را تضمین می‌کند؛ این پیوستگی در ارتباط با فضای اجتماعی و هر یک از عناصر یک رابطه معین جامعه با آن فضا، سطح تضمین‌شده‌ای از توانمندی و سطح خاصی از قابلیت را زمینه‌سازی می‌نماید.

ب - تجلیات فضا^۴ که با روابط تولید و نظمی که این روابط جاری می‌سازند، در پیوند و از همین طریق به دانش، علائم، نشانه‌ها و روابط پیش‌رو^۵ مرتبط است.

ج - فضاهای متجلی^۶ شامل نمادهای پیچیده، گاهی به صورت نشانه و گاهی نه، که با بخش پنهان یا زیرزمینی حیات اجتماعی، همچنان که با هنر (که ممکن است به ناچار به عنوان نشانه فضا و کمتر به مثابه نشانه فضاهای متجلی بروز نماید) در پیوند است. لفسور با توجه به این باور که: "هر فضا مستلزم، حاوی و معرف مناسبات اجتماعی است"، با اشاره به نقش زمان، ادامه می‌دهد: "اگر فضا تولید می‌شود، اگر طی آن یک روند تولیدی مطرح است، پس ما با تاریخ سروکار داریم." فرمولبندی لفسور مستلزم یک مادیت / تبدیل به ماده شدن دوگانه است: نخست، مادیت بخشیدن به فضا و دیگر، مادیت بخشیدن به روابط تولید، (ورلن^۸ 1993) در باره تبیین لفسور می‌نویسد:

۱- مضمون اجتماعی روابط اجتماعی (تولید) به سبب معنویت جوهره اجتماعی، به هیچوجه نمی‌تواند فضایی باشد... مضمون اجتماعی یک رابطه اجتماعی تولید چیزی نیست، مگر معنابخشی به واقعیتهای مادی توسط افراد، با هدف مشخص، در یک برهه معین، در شرایط اجتماعی - فرهنگی معلوم. این بعد اجتماعی به این شکل موجودیت مادی ندارد.

۲- فرمولبندی لفسور آنجا که می‌نویسد، "روابط اجتماعی تولید... خود را به شکل فضا تجلی می‌دهند"، مستلزم نوعی فضای از قبل موجود مادیت یافته است؛

۳- یک "رابطه اجتماعی تولید" به خودی خود نمی‌تواند اثربخش باشد. این [رابطه] تنها در روندهای کنش تولیدشده یا بازتولیدشده توسط کنشگر می‌تواند از لحاظ اجتماعی اثرگذار گردد. ورلن می‌نویسد: لازم است بین جنبه‌های

^۲ - Sensory Phenomena

^۳ - Imagination

^۴ - Representations of Space

^۵ - frontal' Relations

^۶ - Representational Spaces

^۸ - Benno Werlen

مادی، ذهنی و اجتماعی - فرهنگی واقعیت تفاوت قائل شویم. فضاگرایی جغرافیایی چیزی نیست، مگر پرداختن به ماده به شکل تولید مادیت یافته: نام این عینیت، فضاست.

اقتصاد فضا (Space Economy)

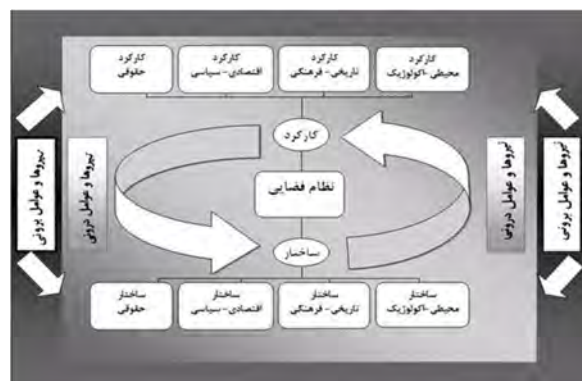
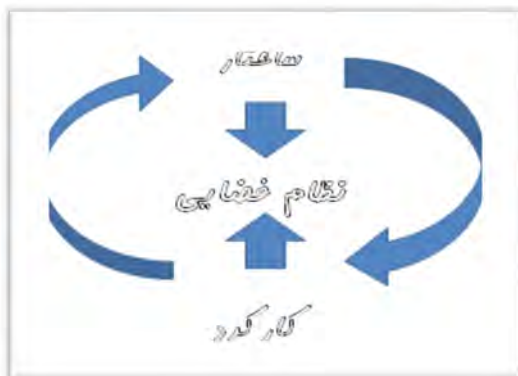
به ساده ترین تعریف مطالعه چگونگی اثرگذاری عناصر فضا بر رفتار اقتصادی است. اصطلاح اقتصاد فضا دارای زمینه جغرافیایی - اقتصادی است و درهم تنیدگی بین اقتصاد و فضا را مورد مطالعه قرار میدهد. این واژه یعنی نقش موقعیت فضایی در کارایی و افزایش سود و کاهش هزینه. باید اقتصاد فضا را توزیع فضایی اجزای یک اقتصاد (جمعیت، تولید کالا و خدمات) بدانیم که در این فضا ماحصلی از کنش و واکنشی را به نمایش میگذارد. از این تعریف میتوان گفت هرچند که اقتصاد فضا و جغرافیای اقتصادی دارای اشتراکات موضوعی و روش شناسی زیادی باهم هستند اما یکی نیستند (منافی آذر و جلالیان، ۱۳۹۴: ۷۰). الگوی مکانی یک اقتصاد (همانند توزیع و محل فعالیتهای تشکیل دهنده آن) و جریانهای فضایی مانند حرکت جمعیت، کالا، خدمات و سرمایه، اقتصاد فضا نامیده میشود که سطح توسعه مراکز سکونتگاهی، اعم از شهر، روستا و مجاری ارتباطی آنها را تحت تأثیر قرار میدهد (افراخته، ۱۳۹۱: ۴۰).

رویکرد فضایی (Spatial Approach):

کریستالر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی بود که: چگونه می توان به تبیین وسعت، تعداد و پراکنش شهرها پرداخت، تا از آن طریق، بتوان به قانونمندیهای دست یافت؟ به سخن دیگر، آیا وسعت و پراکنندگی شهرها اصولاً تابع قانونمندی است؟ و آیا شناخت این قانونمندی امکان پذیر است؟ بدین ترتیب، او با دستیابی به شبکه ای معین - متشکل از کوچک ترین آبادیهای روستایی تا بزرگترین واحدهای شهری - اظهار داشت، در عین حال که استقرار سکونتگاهها بی قاعده و خودبه خودی به نظر می آید، پراکنش آنها از نظم و انتظام خاصی تبعیت می کند که چه بسا از نظر ما پنهان است؛ این نظم را باید جستجو کرد و قانونمندیهای مرتبط با آن را دریافت. فضای جغرافیایی پیامد عینی روند تعامل نظاموار کنش انسانی و محیط در گذر زمان است. در تعریف فضا به عنوان نظام، چنین تعریف شده است:

الف) مجموعه ای از عناصر مرتبط که در جهت هدفی معین انتظام یافته باشد و کلیت آن براساس پیوند بین این عناصر قابل تبیین باشد. به سخن دیگر:

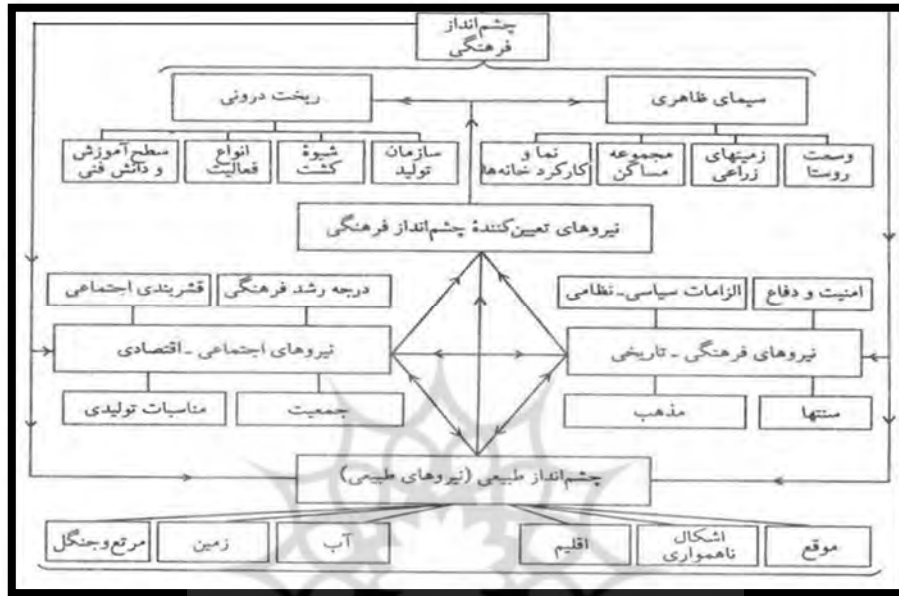
ب) مجموعه ای از ساختها، روندها و فعالیتهای مرتبط و هم پیوند که با تشکیل کلیتی یکپارچه، دسته ای از روابط و عملکردها را امکان پذیر سازد.



شکل ۲: ساختار نظام فضایی.

منبع: سعیدی ۱۳۹۲.

در تعریف فضا به عنوان تولید اجتماعی، فضا از لحاظ معرفت شناختی، از طریق درک ذهنی واحد مکانی توسط افراد و گروههای انسانی و تجربه عرصه های کنش / واکنش اجتماعی در مکان (مبتنی بر روابط و مناسبات اجتماعی) پدیدار می گردد. بنابراین، فضا نوعی تولید اجتماعی است. در دیدگاه فضایی، جغرافیا علم شناخت ساختاری - کارکردی نظامهای مکانی - فضایی است. همانگونه که فرم را از محتوا نمی توان مجزا کرد، کارکردها را هم نمی توان (و نباید) از ساختارهای (بستر ساز آن) جدا کرد... و بالعکس.



شکل ۳: عوامل اثرگذار در تعریف مفهوم فضا.
منبع: سعیدی ۱۳۹۲.

هویت فردی و برخی انواع فضاها بر مبنای مقیاس:

- ۱- فضای شخصی؛
- ۲- فضای خانوادگی؛
- ۳- فضای همسایگی؛
- ۴- فضای کار و فعالیت؛
- ۵- فضای سکونتگاهی؛
- ۶- فضای بین سکونتگاهی؛
- ۷- فضای منطقه ای؛
- ۸- فضای ملی؛
- ۹- فضای جهانی

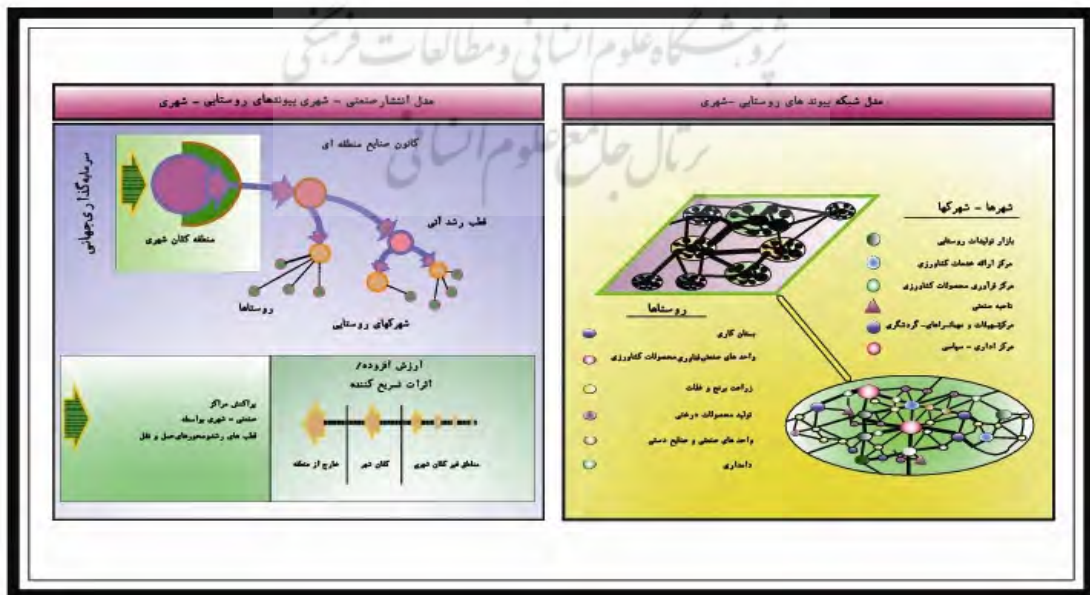
قانونمندیهای حاکم بر نظامهای فضایی:

- ۱- پدیده و نظامهای فضایی همیشه و همه جا به صورت یک نظام عمل می کنند؛
- ۲- نظام فضایی به عنوان یک کلیت، تجلیگاه کنش انسانی است؛
- ۳- هر نظام فضایی دارای مجموعه اجزاء ساختاری و کارکردی است که در محیط نظام در تعامل پویا قرار دارند؛
- ۴- کارکردهای متصور (فعالیتها و روابط) هر نظام متناسب با ساختارهای آن است و بالعکس.

پویای ساختاری - کارکردی:

پویای ساختاری - کارکردی نوعی نگاه به مطالعات مکانی - فضایی است که به تجربه طی چند دهه مطالعات میدانی انتظام یافته است. این نگاه پیش از هر چیز مبتنی است بر رویکرد نظاموار که به نظر می رسد چارچوبی بنیادین برای تمام مطالعات علمی به شمار می رود. پویای ساختاری - کارکردی بر این باور استوار است که میان ساختار و کارکردهای پدیده های مکانی - فضایی نوعی پیوستگی نظاموار حاکم است و یکی بدون حضور متناسب دیگری امکان تحقق نمی یابد. پیوستگیهای ساختاری - کارکردی نظامهای فضایی، همانند تمام پدیده ها، قانونمند است. بر همین مبنا، پویای ساختاری - کارکردی بر اساس تعریف جغرافیا به عنوان علمی که نظامهای فضایی را بررسی می کند، بر قانونمندیهایی از جمله موارد زیر استوار است:

- بین بسترهای عینی یک پدیده (ساختار آن) و فعالیت پذیری و تحقق روابط (کارکرد) آن پیوندی بی چون و چرا برقرار است؛
- بدون عنایت به ویژگیهای ساختاری یک نظام مکانی - فضایی، نمی توان انتظار هر گونه کارکردی دلخواه را داشت؛
- برای ایجاد دگرگونی مثبت (توسعه) در کلیت نظام مکانی - فضایی، اعم از شهر و روستا، تحول ساختاری - کارکردی الزامی است (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱).

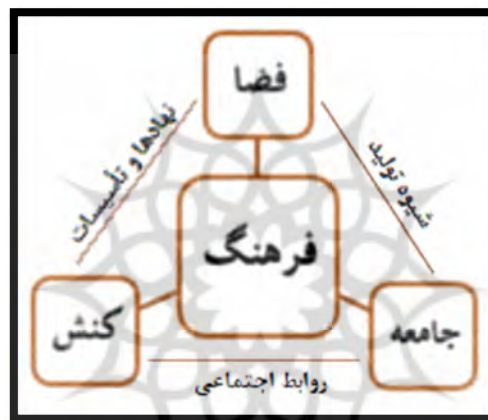


شکل ۴: پیوندهای روستایی - شهری.

منبع: عزیزپور و محسن زاد ۱۳۸۹، به نقل از Douglass mike 1999.

فرآیند دگرگونی نظام فضایی:

- ۱- تحول عمومی جامعه در ابعاد محیطی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... شکل گیری و پدیداری ساختها و کارکردهای (یعنی فعالیتهای و روابط) تازه؛
- ۲- دگرگونی در نحوه برخورد با ارزشها، یعنی ارزیابی ارزشهایی که گروههای اجتماعی بر اساس آن ویژگیهای محیطی و اجتماعی- اقتصادی را به سنجش می گیرند، ممکن است کم و بیش به سرعت تغییر پذیرند؛ بدینسان،
- ۳- عملکردهای اجتماعی- اقتصادی در معرض تغییر و تحول قرار دارند که خود می تواند،
- ۴- روندهای اجتماعی- اقتصادی تازه ای را مطرح سازد که به نوبه خود بتواند پس از گذشت زمانی معین،
- ۵- به الگوهای پایداری منجر گردد که به علت وجود آنها،
- ۶- روندهای مکانی- فضایی تحت تاثیر قرار گرفته، در نهایت،
- ۷- ساختارهای مکانی- فضایی یا فضاهای جدید پدیدار گردند (سعیدی، ۱۳۹۱: ۷).



شکل ۵: دگرگونی نظام فضایی.

منبع: سعیدی ۱۳۹۱.

ساختار فضایی (Spatial Structure)

ساختار: نظم و ترتیب و روابط بین بخشها، اجزا یا عناصر چیزی پیچیده. بر اساس نظریه و گریگوری، ساختار فضایی نتیجه آرایش پدیده ها در سطح زمین می باشد. ساختار فضایی به عنوان تنظیمات یا سامانه هایی تعریف می شود که به واسطه آن فضا درگیر عملیات و برآیند حاصل از فرایندهای طبیعی- فرهنگی می شود (کازمیان و همکاران، ۱۳۸۸، ۳۹). ساختار فضایی موقعیت و مکان هر پدیده در ارتباط با پدیده دیگر و در ارتباط با نحوه قرارگیری سایر عناصر در پهنه فضای جغرافیایی است. یک ساختار فضایی معمولاً روابط عمودی سطوح سازمان فضایی اش را به صورت نظام های گوناگون ارتباطات منعکس نموده و روابط افقی واحدها را از طریق حوزه های نفوذ و قلمروها نشان می دهد. ساختار به منظور معرفی عناصر و روابط اصلی یک نظام به کار می رود که سایر اجزا و روابط فرعی را تحت تاثیر قرار میدهد. در حقیقت ساختار اجزای تشکیل دهنده نظام ها، سازوکارها، روابط، معیارها، ضوابط حاکم بر رفتار اجزا و ارتباطات میان آنهاست (مهندسان مشاور فرهاد، ۱۳۸۴: ۲). ساختار فضایی به دو معنی است،

یکی نیروهای سازنده (فرآیندها و روندهای اجتماعی-اقتصادی و یا طبیعی)، و دیگری قالب شکل و کالبد هر پدیده فضایی. نکته این است که اصطلاح ساختار، همزمان هر دو معنی را در بر دارد.

سازمان فضایی (Spatial Organization)

سازمان فضایی، انطباق ساختار فضایی بر محیط کالبدی است. یعنی تجلی کالبدی روابط درونی و بیرونی واحدهای یک مجموعه فضایی و جایگاه اجزای آن در بستر محیط کالبدی را سازمان فضایی گویند که نشان دهنده چگونگی سازمانیابی فضا بوسیله فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی در بستر کالبدی است. سازمان فضایی، به نحوه آرایش و استقرار فضایی عناصر و اجزای نظام سکونتگاهی (کانون‌ها، شبکه‌ها و سطوح و ...) در فضا در رابطه با یکدیگر اطلاق می‌شود. سازمان فضایی، محصول فرایند فضایی است که در آن فضا بوسیله فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی سازمان می‌یابد. در واقع سازمان فضایی از آرایش و سازمان یابی پدیده‌ها که نتیجه فرایندهای طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است بوجود می‌آید. بین سازمان فضایی و فرایند فضایی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. بدینسان که فرایند فضایی یک نوع تحرک و پویایی را در سطح زمین نشان می‌دهد در حالی که سازمان فضایی نتیجه آرایش پدیده‌ها در سطح زمین می‌باشد. سازمان فضایی، نحوه نظم‌پذیری پدیده‌ها بر سطح زمین بر مبنای روندهای فضایی به نحوه ای که فضا به واسطه این روندها (محیطی یا اجتماعی و اقتصادی) سامان می‌پذیرد (کلانتری و عبدالله زاده، ۱۳۹۱، ۲۴) و در این روندها نقشی بر عهده می‌گیرد. بدین سان، سازمان فضایی یک پدیده مکانی به موقعیت هر یک از عناصر مرتبط با دیگر عناصر و به نسبت بهم پیوستگی مجموعه عناصر تعیین و تبیین می‌گردد. کارائی سازمان فضایی به مکان و الگوی تراکم نقاط، شکل تراکم شبکه و مقدار و کیفیت و جهت جریان و ... بستگی دارد. هر منطقه در نتیجه تصمیمات گذشته (افراد و دولت‌ها) ساخت فضایی خود را دارند. بافت عمومی روستاها که بیانگر شکل، فرم و الگوی برآیند تاثیر گذاری عوامل مختلف در عرصه روستا و نحوه تعامل و ارتباط متقابل عناصر مذکور هستند ساختار فضایی روستایی را بوجود می‌آورند.



شکل ۱: نمودار نظام فضایی.

منبع: سعیدی ۱۳۹۱.

به طور کلی، عناصر ساختار فضایی شامل کلیه عناصری هستند که در تشکیل و تغییر ساختار فضایی موثر هستند. این عناصر عبارتند از:

- روند تحول تعداد سکونتگاههای روستایی
- پراکنش فضایی نقاط روستایی (تراکم نسبی نقاط روستایی، حداقل فواصل و مدل دومانژون)
- موقعیت استقرار (موقعیت کوهستانی، پایکوهی و ...)

- فرم استقرار (منظم و یا نامنظم)
- الگوی استقرار (خطی، خوشه ایی)
- پراکنش فضایی فعالیتها (کشاورزی، صنایع، معادن و واحد های خدماتی) تکنیک سنجش سطح تمرکز و یا میانگین فضایی و یا تکنیک ضریب توزیع.

به نظم و آرایش مجموعه ای از گره گاه ها، فعالیت های مرتبط با آن ها و کنش متقابل از طریق شبکه های ارتباطی در فضا اطلاق می گردد. در مجموع سازمان فضایی برآیند عملکردی - ارتباطی ساخت ها و عناصر در یک پهنه فضایی است. سازمان فضایی هر منطقه ای متشکل از سه عنصر اساسی، مکان مرکزی یا نقطه میانی، منطقه پیرامونی^{۱۰} و کنش متقابل روابط فضایی^{۱۱} است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸). سازمان فضایی هر منطقه ای تبلور جریان و الگوی ارتباطات فضایی آن منطقه است. اصولاً در هر منطقه ای فعالیت های انسانی - اقتصادی به هم پیوسته هستند، پیوستگی این فعالیت ها در یک ناحیه ممکن است تا ابعاد بسیار وسیعی گسترش یابد. سازمان فضایی منطقه معینی را می پوشاند که از لحاظ طبیعت، نوع، سطوح، تکامل و کارکرد عناصر و عوامل به هم ارتباط دارند. از این رو سازمان فضایی تا آنجایی که کنش های متقابل بر هم تأثیر می گذارند توسعه می یابد و از این لحاظ که عوامل در طول زمان متغیر هستند میدان نمود سازمان فضایی تغییر می یابد و از زمانی به زمان دیگر ممکن است دگرگون شود (همان، ۸۷). از مهم ترین مقولات در برنامه ریزی فضایی، سازمان فضایی است. سازمان به مفهوم ترتیب و نظم واحدهای یک مجموعه تعریف شده و دارای هدف است. سازمان فضایی عبارت است از ترتیب و توزیع و نظام یافته واحدهای یک مجموعه در فضا در راستای عملکردهای عمومی مجموعه. سازمان فضایی بیانگر:

الف) الگوی کلی نحوه کاربری فضا توسط یک اجتماع؛

ب) نحوه استقرار اجزاء فضا نسبت به هم، به نحوی که تعامل و رابطه مکمل آنها امکان پذیر گردد.

این مفهوم، مفهومی برتر از اجتماع محض کانونها و فعالیتهای وابسته به آنهاست که نتیجه کنش های متقابل بین عناصر موجود در فضای جغرافیایی هست. به عبارت بهتر، سازمان فضایی ترتیب سازمان یافته مجموعه ای از فعالیت ها در فضا می باشد منظور از سازمان دادن، شکل دادن به کلیت مرتبط و یکپارچه است که دارای روابط متقابل بین اجزا می باشد. بنابراین، علاوه بر حضور کانون های سکونتی، مجموعه ای از ارتباطات و فعل و انفعالاتی که نشأت گرفته از ساخت "عملکردی - جغرافیایی" فضای ملی است، برای شکل یابی سازمان فضایی ضرورت دارد. سازمان فضایی: نتیجه کنش های متقابل بین عناصر در فضا است و با جمع ساختها متفاوت می باشد، هر چند که محصول و برآیند آنهاست. از طریق سازمان فضایی امکان انتقال مواد، انرژی، مبادلات و تبدیلات فراهم می آید. در مجموع برآیند عملکردی / ارتباطی ساخت ها و عناصر در یک پهنه فضایی است (سعیدی، ۱۳۹۲: ۴). سازمان فضایی دارای اجزای زیر می باشد:

نقاط یا گره گاهها: روستاها، شهرکها، نواحی صنعتی و...

شبکه ها: راهها و جاده ها، کانالها، خطوط انتقال نیرو و...

لکه ها یا سطوح: اراضی زیر کشت، جنگلها، بیابانها، دریا، رودخانه، مرداب و...

^{۱۰} Central Place

^{۱۱} Complementary Region

^{۱۲} Interaction Spatial Relationships

صورتبندی سازمان فضایی:

- ساختار فضایی پراکنده و همگن شامل رشد همگن در سرتاسر فضای سرزمین.
- ساختار فضایی متمرکز و قطبی شامل یک یا دو مرکز رشد قطبی شده در سرتاسر فضای سرزمین.
- ساختار فضایی غیرمتوازن و اتفاقی شامل چند مرکز رشد غیر مقیاس که به صورت اتفاقی در سرتاسر فضای سرزمین پراکنده شده اند.
- ساختار فضایی متوازن و اتفاقی شامل چند مرکز رشد کمابیش هم مقیاس که به صورت اتفاقی در سرتاسر سرزمین پراکنده شده اند.
- ساختار فضایی متمرکز و غیرمتمرکز و سلسله مراتبی شامل مراکز رشد در مقیاسهای مختلف با قدرت خدمات رسانی و حوزه نفوذ متناسب و پراکنش سازمان یافته و آمایش شده در سرتاسر فضای سرزمین.

الگوی فضایی سکونتگاهها بر اساس روابط عملکردی و فعالیت:



شکل ۷: الگوی فضایی سکونتگاهها.

منبع: عزیز پور ۱۳۹۳.

عناصر ساختار و سازمان فضایی:

پیتر هاگت در فصل چهارم کتاب "جغرافیا یک سنتز جهانی"، چهار بخش را تحت عنوان ساختار و سازمان فضایی آورده که بعدتر در کتاب تحلیل مکانی در جغرافیای انسانی (۱۹۶۵) با افزودن دو بخش دیگر، تصویری از الگو و نظم در ساختارهای مکانی-فضایی را به صورت شش اصل هندسی مطرح کرد. این اصول عبارت اند از:

تعامل: مجموعه اعمال متقابلی که بنابر رفتار و ماهیت سیستم، بین عناصر و اجزاء آن در جهت بقاء سیستم وجود دارد. تعامل نخستین مرحله از سازمانیابی و شکل گیری ساختارهای سازمان فضایی ناحیه به شمار می رود (رفعیان، ۱۳۷۵: ۸۲).

شبکه: شبکه‌ها در واقع بسترهای ضروری جهت انتقال جریان در فضا تلقی می گردند و استخوانبندی فضا محسوب می شوند. شبکه‌ها شامل مجاری فیزیکی، نظیر راهها و مجاری غیر فیزیکی نظیر مجاری ارتباطی (تلفن، اینترنت و ...) حمل و نقل (مجاری هوایی) هستند، تیلور^۳ اعتقاد دارد:

گره‌ها و کانون‌ها: محل تلاقی و اتصال شبکه‌ها و برآیند فضایی جریان‌ها، تظاهر فضایی خود را در کانون‌ها می یابد.

^۳Taylor

سلسله مراتب: توالی عمودی و صعود کننده‌ای است که نحوه سازمان‌پذیری گره‌ها و تبیین جایگاه هر یک در ساختار را بیان می‌کند.

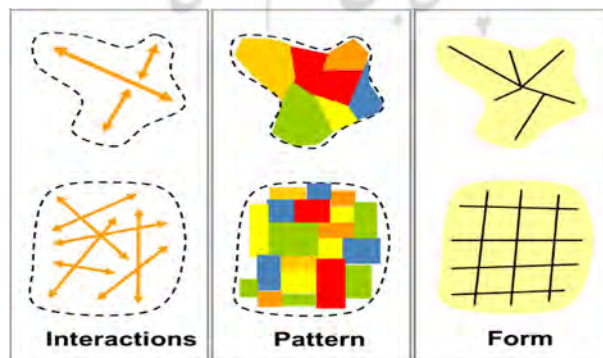
سطوح: پیوندهای ایجاد شده، با تقویت شبکه بین کانون‌های مختلف، به گسترش و بسط سطوحی خاص می‌انجامد. پراکنش و انتشار: حاصل توزیع الگوی مکان‌ها و فعالیت‌ها گروه‌های انسانی بر سطح زمین. این اصول، در ترکیب با یکدیگر، مولد شکل‌گیری ساختارهای مکانی-فضایی هستند و تحلیل ساختار و سازمان نظام‌های شهری و روستایی، مستلزم پرداختن به آن‌هاست. به طور کلی، عناصر اصلی ساختار و سازمان فضایی را می‌توان در سطح محلی، منطقه ای و جهانی، به سه دسته کانون‌ها، شبکه راه‌ها و خطوط ارتباطی و همچنین سطوح عملکردی تقسیم نمود که هر یک از این سه دسته با توجه به مقیاسها در سه سطح جهانی، منطقه ای و محلی تعریف می‌شوند (سعیدی، ۱۳۸۷: ۷۶).

جدول ۱: الگو و نظم در ساختارهای مکانی-فضایی.

سطح جهانی	سطح منطقه ای	سطح ناحیه ای	سطح محلی
مراکز محوری و مراکز دروازه‌ای (بنادر و فرودگاهها)	نواحی کلانشهری	اشتغال و فعالیت های تجاری	کانون ها
مسیر هوایی و دریایی	خطوط ریلی، شبکه بزرگراهها و کانال ها	جاده ها و سیستم ترانزیت	خطوط ارتباطی
سرمایه گذاری، تجارت و تولید	سیستم شهری و پیکرانه های آن	سفرهای آونگی و توزیع	سطوح عملکردی

منبع: جلالیان ۱۳۹۵.

سازمان فضایی در چهار پارمتر (طول، عرض، ارتفاع، زمان) دائما در حال تغییر است. از این رو قابلیت سازگاری و تغییر پذیری سازمان فضایی در بقاء و تداوم آن بسیار مهم است. برای ادراک سازمان فضایی باید توجه به مقیاس فضا نمود نظر به اینکه سازمان فضایی نوعی شناخت دهی است، تعیین اجزاء فضا و یافتن روابط آن‌ها بنا بر مقیاس فضا قابل تغییر است. برای نمونه اجزاء سازمان فضایی یک محله شهری (مانند واحدهای مسکونی، کوچه و خیابان، مغازه ها و ادارات و ...) سازمان فضایی: ترتیب و توزیع نظام یافته واحدهای یک مجموعه در فضا در راستای عملکردهای عمومی مجموعه می باشد.



شکل ۸: الگوی ساختارهای مکانی-فضایی.

منبع: نقد شهرسازی ۱۳۹۷.

به عبارتی دیگر، سازمان فضایی بیانگر:

الف) الگوی کلی نحوه کاربری فضا توسط یک اجتماع؛

ب) نحوه استقرار اجزاء فضا نسبت به هم، به نحوی که تعامل و رابطه مکمل آنها امکان پذیر گردد.

عملکرد فضایی (Spatial Function)

عملکرد یا کارکرد فضایی، نقش و کارکردی است که یک پدیده مثلاً یک سکونتگاه (روستایی یا شهری) به نحوی از انحاء و در زمینه یا زمینه های معین در عرصه فضایی بر عهده می گیرد. تمام انواع فعالیت های انسانی که در روند زمان برای پاسخگویی به انواع نیازهای افراد و گروه های اجتماعی به انجام میرسد. مجموعه فعالیتها و روابط حاکم بر آنها در یک منطقه که به واسطه ساختارهای موجود (اقتصادی- اجتماعی و طبیعی- اکولوژیک) امکان تحقق میابد (سعیدی، ۱۳۹۱: ۹).

یکپارچگی فضایی (Spatial Integration)

توانمندسازی عرصه های زیستی (اعم از سکونتگاه های شهری، روستایی و ...) از بالاترین تا پایین ترین سطح در راستای همگرایی و پیوند عملکردی (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۳۶-۱۲۸). ادغام یا تجمع وازگانی هستند که مفهوم یکپارچگی را به وجود می آورند. در یکپارچگی فضایی، بخشهای گوناگون و کم و بیش توسعه یافته اقتصاد با یکدیگر رابطه متقابل برقرار میکنند و با ارتباطات، جریان نوآوری، اطلاعات، کالاها، خدمات و مانند آن تحقق میابد (سعیدی، ۱۳۸۷: ۴۶). تعریف یکپارچگی فضایی از نظریه های توسعه کسب میشود، بنابراین هر نظریه دارای الگوی فضایی مختص خود است از اینرو در نظریه قطب رشد الگو توسعه قطبی است، در نظریه مکان مرکزی الگوی توسعه سلسله مراتبی است و در شبکه منطقه ای الگوی توسعه بر اساس روابط و پیوندهای روستایی- شهری یا شبکه ای تعریف میگردد. لیکن تعریف مفهوم یکپارچگی فضایی سه نوع پدیده؛ تفرق، واگرایی و چند پارگی شکل میگیرد.



شکل ۱۰: یکپارچگی فضایی.

منبع: نگارنده ۱۳۹۷.

از مفهوم یکپارچگی فضایی، مفاهیمی همچون پیوستگی^{۱۴}، تعادل^{۱۵}، انتظام^{۱۶}، تعارض^{۱۷} و پراکندگی^{۱۸} فضایی نیز ساطع میشود: پیوستگی، فضایی درون اجزاء مختلف یک نظام است که دارای کارکردهای گوناگون هستند و بین شان نوعی

^{۱۴} Conjunction

^{۱۵} balance

^{۱۶} discipline

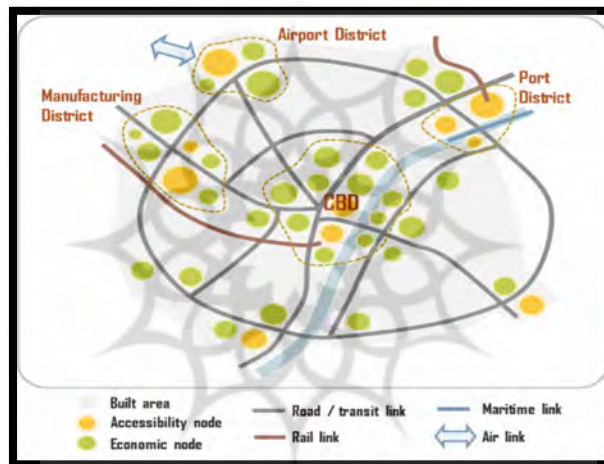
^{۱۷} contradiction

^{۱۸} Dispersion

همنویایی برقرار است. تعادل فضایی تناسب و روابط متعادل منابع طبیعی با منابع انسانیست. انتظام فضایی برگرفته شده از یکپارچگی و پیوستگی ساختاری و کارکردی سکونتگاههای روستایی مبتنی بر سازمان مطلوب فضایی (منظومه) است. تعارض فضایی ناشی از عدم تعادل مبتنی بر ضعف نظم مکانی و استقرار فعالیتهاست و پراکندگی فضایی نیز ناشی از روند یا نحوه پراکندگی یا توزیع پدیده ها در قسمتی از سطح زمین با یک عرصه فضایی معین است.

کُنش متقابل فضایی (Spatial Interaction)

حرکت، تماس، رابطه و پیوند میان نقاط مختلف در عرصه فضا، مثل حرکت و جابجایی افراد، کالاها، اطلاعات، سرمایه و مانند آن. در کشور ما (به عنوان بخشی از دنیای در حال توسعه) شبکه سکونتگاهها تحت تأثیر عواملی نظیر: زیرساختهای متنوع و نامساعد طبیعی - اکولوژیک، پیشینه ناآرام و نظم ستیز تاریخی، نظام سیطره آمیز قدرت، روابط و کارکردهای ناهماهنگ اجتماعی - اقتصادی، نابرابریهای همه جانبه میان مراکز شهری و روستایی و نیز جاذبهها و دافعه بین مراکز و مناطق، ساختار و سازمان فضایی خاصی یافته اند که پراکندگی، تعدد، تنوع و توسعه نیافتگی از ویژگیهای اساسی آن است (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۷).



شکل ۹: کُنش متقابل فضایی.
منبع: نقد شهرسازی ۱۳۹۷.

بازساخت فضایی (Spatial Rebuilt):

مفهوم بازساخت مانند هر نظام تفکربرانگیز، منشأ روشنگری سیاسی و اجتماعی دارد که از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توجه جغرافیا و اقتصاد سیاسی قرار گرفته است. بازساخت اصطلاحی است که فرایندهای مختلف اجتماعی - اقتصادی را شامل می گردد. بازساخت، تغییر کیفی از یک وضع یا الگوی سازمانی به وضع دیگر می باشد. بازساخت تحت تاثیر ایدئولوژی نظام حاکم قرار می گیرد. مانند بازساخت نامهای نقشه جغرافیای سیاسی فلسطین اشغالی. بازساخت فرایندهای مختلف اقتصادی و اجتماعی را شامل می شود و از تمرکز گرایی صنعتی گرفته تا تغییرات تکنولوژیک، ارتباطات اجتماعی اقتصادی، رشد اقتصاد غیر رسمی، بیکاری نیروی انسانی، روابط اقتصادی جهان اول و سوم، توسعه یافتگی برخی از نواحی و عقب ماندگی برخی دیگر را در بر می گیرد. در کشورهای سرمایه داری بازساخت عبارت است از تغییرات کیفی در روابط میان بخشهای سازنده یک اقتصاد سرمایه داری. و این تغییرات در نهایت امر به تغییر الگوهای مکانی فضایی می انجامد و فضای جغرافیایی جدیدی بوجود می آورد. در تحلیلهای جغرافیایی از نواحی، شهرها

و کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته لازم است روی این نکته تاکید گردد که چرا بازساخت جغرافیایی صورت می گیرد زیرا بعد از عملی شدن بازساخت فضای جغرافیایی و کیفیت زندگی مردم به طور کلی دگرگون می شود. به طور کلی بازساخت جغرافیایی در مرحله اول روی دو عامل مهم تاکید می کند: ۱- تقسیم مکانی- فضایی کار، ۲- سرمایه گذاری. یکی از عملکردهای بازساخت تقسیم فضایی کار می باشد تقسیم فضایی کار سبب می شود که تولید در مکان معین و به گروه خاصی تعلق یابد. در هر مقطع زمانی تقسیم فضایی کار هم حاصل سرمایه گذاری های گذشته و هم تاثیر گذار در سرمایه های آینده می باشد. این جریان که نتیجه تصمیم گیرهای آگاهانه است تولید فضا و شکل گیری فضاهای جغرافیایی را سبب می شود. و رد سطح جهانی کشوره را به توسعه اجتماعی اقتصادی می رساند و یا کشورها و نواحی را از توسعه باز می دارد (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۱).

سامان دهی فضایی (Spatial Arrangement):

یکی از وظایف اصلی جغرافیا، ساماندهی فضا و آمایش سرزمین، و کمک به توسعه است. ساماندهی به مفهوم سروسامان دادن و به نظم در آوردن ساختاری- عملکردی اجزای یک سیستم، به گونه ای است که بهبود عمومی آن سیستم را در پی داشته باشد. واژه ساماندهی در ادبیات برنامه ریزی، بیشتر دارای مفهوم و ابعاد فیزیکی- کالبدی و خدمات است. ساماندهی فضایی در نگرش توسعه ای با در نظر گرفتن کل پارمترهای تأثیر گذار در خصوص تطبیق فضاهای گذشته با نیازهای امروز در تعیین اینکه کجا و چگونه منابع موجود برای دستیابی به حداکثر کارایی و مطلوبیت سرمایه گذاری گردد ارتباط دارد. ساماندهی فضا توزیع هماهنگ و متوازن جغرافیایی تمام فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و معنوی در پهنه سرزمین نسبت به منابع طبیعی و انسانی و همچنین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیتهای او در فضا به منظور بهره برداری منطقی از جمیع امکانات در جهت بهبود وضعیت معنوی و مادی اجتماع. با توجه به فلسفه سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر هر ملتی، ساماندهی فضا و آمایش سرزمین آن کشور رقم می خورد. علم جغرافیا اگر بر اساس عدالت اجتماعی و تعادل های توسعه ای مناطق مختلف کشور باشد فضای جغرافیایی کشور به نحو مطلوبی ساماندهی می شود. باید بینیم که ساماندهی فضا در ایران به چه سمتی گام بر می دارد آیا در جهت تضادهای طبقاتی و سرمایه داری است و یا در جهت عدالت اجتماعی و کاهش اختلاف و تضاد طبقاتی (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۴).

سازمان دهی فضایی (Spatial Organizing):

ساختار و سازمان فضایی، در تعامل با هم هستند و روی یکدیگر اثر مستقیم دارند و باعث تغییر و تحول یکدیگر می شوند. در واقع این دو از هم جدایی ناپذیرند. بنابراین، سازمان دهی فضا، یک کنش جغرافیایی برای سامان بخشیدن به فضا (انسان، فعالیت و فضا) است. آرجریس در تعریف سازمان می گوید، سازمان ها راهبردهای پیچیده انسانی هستند که برای دست یافتن به هدف های مشخص طراحی شده اند. سازمان عبارت از وجود هماهنگی معقول در فعالیت گروهی از افراد برای نیل به یک هدف یا منظور مشترک از طریق تقسیم کار است. سازماندهی فضا همواره به دنبال ارائه چهارچوبی منطقی برای دریافت اصول حاکم بر ساختار و کارکرد فضا و درک خصیصه های آن بوده است و تا از آن طریق بتواند صورت بندی فعلی و جلوه های فضایی موجود را تحلیل کرده و همچنین روندهای مشابه را پیش بینی و برنامه ریزی نماید (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۵).

برنامه ریزی فضایی (Spatial Planning) (مؤلفه‌های پارادایم فضایی)

برنامه ریزی فضایی اصطلاحی است که اشاره دارد به برنامه ریزی فیزیکی و برنامه ریزی توسعه (برنامه ریزی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) از سطح محلی تا سطح ملی. برنامه ریزی فضایی سازماندهی عوامل و عناصر در محیط جغرافیایی می باشد. به عبارتی دیگر، پیدا کردن رابطه و سازماندهی بین عناصر فضا را برنامه ریزی فضایی گویند. به طور کلی، برنامه ریزی فضایی یک برنامه بلندمدت است. تعیین روندهای مکانی توسعه برای فعالیتهای مختلف اقتصادی- اجتماعی از قبیل استقرار صنایع، کشاورزی و خدمات در مناطق و الگوهای توزیع مراکز جمعیتی، میزان مهاجرتها و بعلت نزدیکی زیاد با مسائل اجتماعی و فرهنگی و مجموعه‌های زیستی، تنها در یک دوره بلندمدت برنامه ریزی امکانپذیر می باشد. چون تحولات اجتماعی ناشی از رشد فعالیتهای اقتصادی، آثار خود را در کوتاه مدت نشان نمی دهند. بنابراین برنامه ریزی فضایی، مکمل برنامه ریزی اقتصادی- اجتماعی است و بعنوان معیار اصلاح آن بکار می رود. برنامه ریزی فضایی سازماندهی مطلوب فعالیتهای بنا بر نیازها و آرمانهای اجتماعات و اقتضای محیط طبیعی در فضای سرزمین است. برنامه ریزی فضایی فرآیندی است برای اثرگذاری بر توزیع فعالیتهای در فضای آتی توسط بخشهای دولتی و عمومی و فراتر از برنامه ریزی کالبدی است. طبق تعریف اتحادیه اروپا، برنامه ریزی فضایی اقدامی است برای تاثیرگذاری بر ساختار فضایی به وسیله مدیریت توسعه سرزمینی و هماهنگ کردن پیامدهای فضایی سیاستهای بخشی (صرافی، ۱۳۸۲: ۱۰). برنامه ریزی فضایی بیان جغرافیایی سیاستهای اکولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. برنامه ریزی فضایی مدیریت خردمندانه فضا و کاربری کارآمد اراضی است. برنامه ریزی فضایی به سازماندهی مطلوب فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد نیاز برای توسعه فضا می پردازد و حاصل آن تخصیص بهینه فضا به فعالیتهای مختلف است. برنامه ریزی فضایی یک نظم علمی، یک تکنیک اداری و یک سیاست توسعه یافته است که به عنوان یک رویکرد جامع و بین رشته ایی به حیات خود ادامه داده و به سمت توسعه متعادل منطقه ایی و سازمان کالبدی فضا مطابق با یک استراتژی کلی گام بر می دارد.

برنامه ریزی فضایی یک ابزار کلیدی برای ایجاد چارچوب پایدار توسعه اجتماعی و اقتصادی در داخل مرزهای یک کشور و همچنین بین کشورهاست و نقش اصلی آن افزایش یکپارچگی بین بخشها از جمله: مسکن، حمل و نقل، انرژی و صنعت، و بهبود سیستم های محلی و ملی برای توسعه شهری و روستایی با توجه به ملاحظات زیست محیطی است. برنامه ریزی فضایی "رویکردی است ناظر بر توزیع فضایی پدیده ها (نظیر انسان یا فعالیت ها) در یک قلمرو مشخص جغرافیایی که در هر زیر قلمرو، کیفیت موضوع برنامه ریزی را تعیین و در کل ترتیبات شکل بندی و سازماندهی فضایی پدیده ها را معلوم می سازد (عندلیب آذر، ۸۹، ص ۲). هدف برنامه ریزی فضایی، بالا بردن آگاهی همگانی برای افزایش انسجام، مشارکت اجتماعی و حفظ محیط زیست است که برای رسیدن به این اهداف به استفاده موثر از منابع و حکمروایی خوب و مشارکت بخش دولتی و خصوصی تاکید می کند (ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE, Geneva, 2008, 5). برنامه ریزی فضایی به شیوه هایی اشاره می کند که به منظور تحت تأثیر قرار دادن توزیع جمعیت و فعالیت در فضاهایی با مقیاسهای متنوع بکار گرفته می شود. برنامه ریزی فضایی، تمامی سطوح شامل برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی منطقه ای، برنامه های فضایی ملی و در نهایت سطوح بین المللی را در بر می گیرد. برنامه ریزی فضایی، یعنی برنامه ریزی هایی که سر و کار آنها با سرزمین -فضاهاست، در سراسر جهان عمومیت دارد. اما این عمومیت به معنای شکل و محتوای یکسان نیست، گذشته از ویژگی های مشترک یعنی فضایی بودن این برنامه ریزیها در جوامع گوناگون، به دلیل تجربه تاریخی متفاوت، نوع حکومت، میزان توسعه یافتگی، دیدگاههای سیاسی، تفاوتهای جغرافیایی و ... شکل

های متفاوتی به خود گرفته است (توفیق، ۱۳۹۵: ۱۹). بر اساس تئوریهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شکل و سازمان فضایی هر منطقه برآیند و تجلی‌گاه کالبدی مجموعه‌ی ویژگی‌های ایستا (بستر جغرافیایی و تاریخی) و پویا (نظام‌های اسکان، فعالیت و ارتباطات) و تغییرات ساختاری این ویژگی‌ها در سطح منطقه است. هر ترکیب خاصی از این ویژگی‌ها و عوامل، سازمان فضایی متناسب و مخصوصی را نتیجه می‌دهد (کاظمیان، ۱۳۸۱: ۷۴). بررسی ساختار و سازمان فضایی موجود منطقه و تحولات گذشته آن می‌تواند ابزاری مناسب برای شناسایی و ارزیابی عوامل موثر در تغییرات منطقه، گونه‌شناسی منطقه و نوع روابط فضایی حاکم بر آن محسوب گردد. ترسیم چشم‌انداز تحول و تغییرات آتی منطقه و روابط حاکم نیز با استفاده از این ابزار امکان‌پذیر است. **مؤلفه‌های کلیدی پارادایم فضایی بر محورهای ذیل استوار است (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۲)؛**

- مردم محوری بجای فن محوری
- تولید فضا بجای چیدمان فضا
- مزیت رقابتی بجای مزیت نسبی
- آینده نگاری بجای آینده پژوهی
- انعطاف پذیری بجای سلبی شدن
- و الگوی شبکه ای بجای الگوی سلسله مراتبی تأکید دارد.

عدالت فضایی (*Spatial Justice*):

عدالت رویه ای، به مفهوم تئوری آرمانگرایی حقوق شهروندان در فضای کارکردی است. که معمولاً دولتها وظیفه ایجاد زمینه های عدالت اقتصادی- اجتماعی و توسعه انسانی را بر عهده دارد (Hansen, 2002: 7). دوره آغاز پدیداری ادبیات عدالت شهری و تلاش برای تجدیدنظر در ارتباط بین فضا، توسعه، قدرت و برنامه ریزی از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد بوده است، در همین راستا، نظریه پردازان معاصر ذیل سنتهای برنامه ریزی غالب در جهان اول (آمریکایی- بریتانیایی- فرانسوی) به توصیف چگونگی ارتباط بین عدالت، پاسخگویی و شهر پرداختند که در کاربردی نمودن این مفاهیم در قالب نظام برنامه ریزی شهرها توجه شد (داداشپور و الوندی، ۱۳۹۵: ۶). در این میان میتوان به نظریه های برنامه ریزی ارتباطی، شهر عدالت محور، برنامه ریزی همگانی، برنامه ریزی برابانه و عدالت فضایی اشاره داشت. عدالت فضایی، مفهومی چندبعدی و پیچیده و درعینحال نوظهور و میانرشتهای است که در اشکال گوناگون در حوزه های علمی چون برنامه ریزی شهری، معماری، جامعه شناسی، جغرافیا و ... طرح شده است و مورد بررسی قرار گرفته است. بر مبنای این رویکرد، عدالت بعد فضایی دارد و بنابراین میتوان از یک نگرش فضایی به منظور تشخیص بیعدالتی در شهر استفاده کرد به بیانی عدالت فضایی، توزیع عادلانه و دموکراتیک منافع و مسئولیتهای اجتماعی در فضا با مقیاسهای مختلف است. عدالت فضایی با اذعان به این نکته که فضا به شکل اجتماعی تولید میشود و فضای تولیدشده به روابط اجتماعی شکل میدهد، به تقویت مفهوم عدالت اجتماعی میپردازد (همان).

جریان فضایی / حرکت (Spatial Current):

اصولا در ادبیات توسعه به جابجایی و انتقال انسان، سرمایه، اطلاعات، تکنولوژی، تولیدات و ... بین کانونهای روستایی و شهری جریان فضایی میگویند. چارچوب جریان های فضایی توسط مایکل داگلاس^{۱۹} اینطور بیان شده است، حرکات فضایی به پنج دسته تقسیم میشوند؛

- ۱- جریان محصول
- ۲- جریان افراد/ جمعیت
- ۳- کالا/ خدمات
- ۴- جریان اطلاعات/ نوآوری
- ۵- جریان سرمایه (مادی)

دامنه عملکرد (Performance Stretch):

دامنه عملکردی از مفاهیم فضایی است که میتوان آن را معادل با شعاع عملکرد، میزان برد یا حوزه نفوذ و کشش و پسرکانه ها دانست. دامنه عملکردی بخش وسیعی از سطح زمین است که گروهی خاص با موجودیتی خاص مدعی مالکیت و حاکمیت بر آنند. به موقعیت و جایگاه فضایی شهرها و روستاها در نتیجه دامنه عملکردی آنها در مجموعه نظام سکونتی (مناسبات فضایی) دلالت دارد (سعیدی، ۱۳۹۲: ۹). از سویی دیگر حوزه نفوذ یا قلمرو فضایی ناظر به محدوده است که افراد و گروهها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع میکنند (کاویانی، ۱۳۹۲: ۷).

موقعیت کارکردی (Functional Position):

علم جغرافیا که بر بررسی و شناخت اینگونه پدیدهها تأکید دارد، در عمل "نظامهای جغرافیایی" یا به زبان بهتر، "نظامهای فضایی" را مورد توجه و بررسی دارد (سعیدی، ۱۳۹۱: ۴). هر نظام فضایی متشکل از مجموعههای مرتبط از ساختارها و کارکردهای گوناگون است. از اینرو، جغرافیا علم شناخت ساختاری-کارکردی نظامهای فضایی تعریف میگردد (سعیدی، ۱۳۹۱: ۵). بنابراین بستر ساختارها و کارکردهای نظامهای فضایی، موقعیت کارکردی آن است.

عرصه / سطوح فضایی (Spatial levels):

عرصه و سطوح فضایی مترادف و مشابه است و در واقع یکی و هم معنی هستند معادل یک بخش یا یک شهرستان و ... محسوب میگردند. در تعاملات سطوح فضایی جریانهایی (مثل حرکت جمعیت یا کالا) به وجود خواهد آمد که بروز دهنده کنش رفتاری بر اساس نقش خود است، که دو نوع کنش درونی و بیرونی نتیجه آن است. در این رابطه سه معیار شکل میگرد شامل؛

- ۱- نقش سکونتگاهها که زمینه ساز تعیین یک جایگاه است؛
- ۲- کنش سکونتگاهها که به صورت جریان/ حرکت و رابطه/ پیوند است
- ۳- دامنه عملکردی سکونتگاهها که خود دارای سه پدیده عملکرد فضایی، کنش فضایی و دامنه عملکردی است.

^{۱۹} Douglass mike

رابطه / پیوند (Relationship / linkage):

روابط و پیوندها میتواند معانی مشترکی داشته باشد اما برخی روابط را یک سویه و پیوند را دوسویه میدانند. روابط نوع دامنه کنش بین شهر و روستاست و در روابط فضایی بین جریانها یک ارتباط یک سویه وجود دارد. پیوند شهر و روستا اتصال میان سکونتگاههای شهری و روستایی از طریق مجموعه جریانهای آشکار و پنهان است به گونه ای که ساختار و عملکرد هر یک از آنها تکمیل کننده دیگر سکونتگاهها باشد که با یگانگی و وحدت موجب توسعه منطقه است (تقی زاده، ۱۳۸۴: ۵).

کانون / محور / پهنه (Hotspot/ Axis / Arena):

کانونها مترادف نقاط هستند، محورها مترادف خطوط و پهنه ها سطوح را شکل میدهند. در فرآیند تحلیل شبکه فضایی روابط فی مابین کانونها، محورها و پهنه ها با عملکرد هر یک مورد بررسی قرار میگیرد، با توجه به کارکرد هر یک از این عناصر جریانهای احتمالی تحلیل میگردد و کارکرد و کنشهای احتمالی مورد ارزیابی واقع میشود.

منظومه / مجموعه / حوزه (System / Collection / Sphere):

اصطلاح منظومه ها و مجموعه های روستایی در واقع نوعی تقسیم بندی پهنه های روستایی است که در شکل سیاسی آن سلسله مراتب از کوچکترین واحد شامل ده، دهستان، شهرستان، استان و کشور است و در تعریف فضایی آن شامل: محلی، ناحیه ای، منطقه ای و ملی است.

الف / حوزه روستایی: اجتماعی از چند آبادی همجوار و مرتبط در قلمروی جغرافیایی و فرهنگی همگن با عملکردهای بالنسبه همسان با یک کانون جمعیتی برتر و جمعیت آن حوزه روستایی تا ۵ هزار نفر می باشد. مناطق روستایی کشور حدوداً شامل ۸ هزار حوزه روستایی خواهد بود.

ب / مجموعه روستایی: تجمعی از چند حوزه روستایی است که به دلایلی بهم پیوسته یا وابسته است و حوزه نفوذی کنونی یا اتی یک مرکز برتر روستایی را تشکیل داده و جمعیتی حداکثر تا ۱۲ هزار نفر را در بر می گیرد. حدوداً ۲۵۰۰ مجموعه روستایی در کشور وجود دارد.

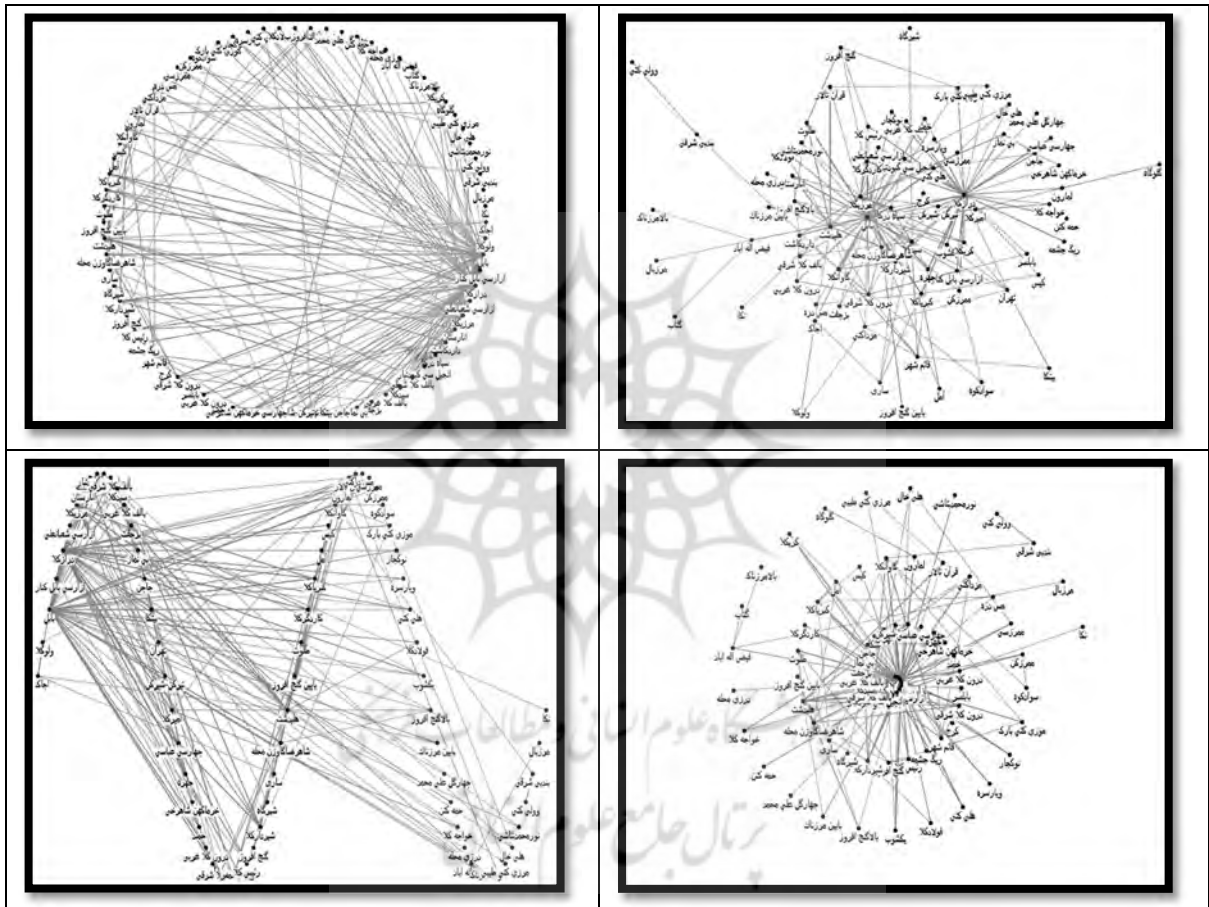
ج / منظومه روستایی: از تجمع چند مجموعه روستایی شکل می گیرد. وسیع ترین قلمرو جغرافیایی برای عملکرد یکپارچه و پوشش خدماتی در محیط روستایی است که با مرکزیت حداقل یک کانون شهری و یا روستای بزرگ شکل گرفته است. جمعیت روستایی، بدون احتساب جمعیت شهری و مرکز منظومه بین ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر می باشد. عرصه های روستایی کشور در قالب نواحی طرح کالبدی ملی (۸۵ ناحیه)، حدوداً شامل ۸۰۰ منظومه روستایی خواهد بود.

تحلیل شبکه (Network Analysis):

تحلیل شبکه به دو صورت تحلیل شبکه اجتماعی و تحلیلی شبکه فضایی مطرح است، در تحلیل شبکه اجتماعی روابط با افراد و گروهها و مطالعات جامعه شناسی و مردم شناسی یا به عبارتی روستاییان با نهادهای دولتی صورت میگیرد. اما در تحلیل شبکه فضایی که رویکردی جغرافیایی دارد، تعاملات فضایی بین سکونتگاهها در سطح یک ناحیه یا منظومه یا مجموعه را مورد تحلیل قرار میدهد و با این تحلیل الگویی که در تبعیت از آن تعاملات بدست می آید تحلیل شبکه فضایی

است. تعاملاتی که در برنامه ریزی فضایی و آمایش مطرح است مجموعه ای از فنون و روشی مورد استفاده ای برای قانونمند کردن و انتظام فضایی اقدامات اثر گذار بخش عمومی و خصوصی بر نحوه مکان گزینی و استقرار فعالیتهای اجتماعی- اقتصادی در فضا است. انتظام فضایی نیز عبارت است از نحوه مکان گزینی و استقرار فعالیتهای، که در تحقق آن اجرای سه هدف لازم است:

- ۱- اصلاح ساختار فضایی با توجه ویژه به بسترهای محیط طبیعی و ویژگیهای اجتماعی- اقتصادی؛
- ۲- انتظام مکانی- فضایی فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی در سطوح مختلف سرزمین؛
- ۳- نظم بخشی به روابط و پیوندهای فضایی با تأکید بر سطوح سلسله مراتبی سکونتگاهها و تقسیم کار (کارکرد) فضایی.



شکل ۱: انواع گراف تحلیل شبکه فضایی.
منبع: شیروان ۱۳۹۴.

حکروایی محلی (Local Govern):

باتوجه به اینکه در جهان متحول امروز، نقش دولت نیز متحول و مسئولیت آن متفاوت خواهد بود، دولت ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود آنان بایستی با افزایش قابلیت های خود از طریق بازدمیدن نیروی تازه در نهادهای عمومی میتوان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند واگذاری اختیارات به مردم مناطق مختلف پیش نیاز توسعه است همه کشورها علاقه مند و به دنبال توسعه هستند، حکمرانی خوب احتمالاً مهم ترین عامل در ریشه کن کردن فقر و

عامل رشد و توسعه است. به عبارتی دیگر یکی از لازمه های توسعه پایدار در جهان حکمروایی خوب میباشد. حاکمیت نگاه بخشی در فرآیند برنامه ریزی کشور و فقدان دید کلنگر سبب شده تا هر بخش به صورت مجزا مورد توجه قرار گیرد. عدم تعادل و افزایش شکاف بین روستاها و شهرها، ضعف دسترسی سکونتگاههای روستایی به خدمات زیربنایی، رفاهی، مسائل اشتغالزایی و فرهنگی از جمله چالشهایی است که سکونتگاههای روستایی با آن مواجه است. به منظور برقراری عدالت و همچنین حصول توسعه انسانی، شناخت چالشها و موانع برای ارائه راهکارهای مناسب، ضرورتی اساسی و بنیادی است (Bohansen, 2006: 42). پارادایم ورود مفاهیمی همچون مشارکت شهروندی، جامعه مدنی، شفافیت، پاسخگویی، عدالت و برابری در کنار کارایی و اثر بخشی مدیریت محلی، حکم روایی محلی را میسازد، این مفهوم کمتر از یک دهه است که در ادبیات مدیریت محلی با الهام از اصول حکم روایی خوب وارد شده است، اما کارکرد ارزشمند آن در بهره برداری بهینه از حداقل منابع موجود با رویکرد اثر بخشی، شفافیت، برابری در اراده خدمات و جلب مشارکت همه کنشگران عرصه مدیریت محلی مورد توجه است (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

متنوع سازی فعالیتها (Diversify Activities):

در متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی رویکرد به گونه ای است که الزاماً در یک ناحیه به تولید یک محصول یا کالایی خاص مبادرت نمیشود و تعدد چندین گونه فعالیت در راستای امنیت ایجاد فعالیت و درآمد متنوع پرداخته میشود. روستا و اقتصاد روستایی از بدو پیدایش تاکنون قرابت زیادی با کشاورزی و زیربخش های آن بویژه زراعت و باغداری داشته است تا جایی که این نزدیکی را در تعاریف ارائه شده از روستا نیز می توان شاهد بود. شکل گیری چنین ساختار اقتصادی ویژگی های فراوانی دارد و مهمترین آنها عدم تنوع در زمینه های شغلی و محدودیت منابع درآمدی به کشاورزی و زیربخش های آن است که با توجه به سیر تحول و تکاملی فضاهاى روستایی چالش هایی را در ابعاد مختلف زندگی روستایی سبب شده است. در قالب الگوی توسعه پایدار، پایداری معیشت و امنیت اقتصادی در نواحی روستایی اهمیتی بسیار اساسی دارد زیرا از طرفی باید با افزایش کارآیی، میزان بهره وری از ظرفیت ها و توان های بالقوه و بالفعل موجود در فعالیت های اقتصادی را گسترش داد و از طرف دیگر جهت تضمین استمرار معیشت، ایجاد اشتغال و درآمد اقدام به متنوع سازی فعالیت های اقتصادی در فضاهاى روستایی نمود. اتخاذ چنین راهبردی از طریق کارکردهای خود در شرایط نامساعد طبیعی و انسانی، پایداری سکونت را در این نواحی تضمین خواهد نمود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷).

معیشت پایدار (Sustainable Livelihoods):

رویکرد معیشت پایدار یکی از رویکردهای توسعه و شیوه ای برای اندیشیدن و تلاشی در راستای پیشرفت در جهت فقر زدایی اجتماعات روستایی است. به مجموعه کسب کارهایی گفته میشود که در محدوده ای مشخص جهت تأمین منابع خرد و بزرگ مالی و پایداری درآمد به وجود آید (سجاسی قیداری، ۱۳۹۵). آسیب پذیری یکی از مفاهیم اساسی در رویکرد معیشت پایدار است که بر اساس وجود زمینه های آسیبیرسان (تکانه ها، روند ها و فصلی بودن) به دنبال کاهش فقر در جامعه روستایی است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

دگرگونی محیطی (Environmental Vicissitudinous):

دگرگونی محیطی همراستای ورود بشر به عرصه های طبیعی است، از آنجایی که اغلب مناطق بکر با ورود انسان دچار تغییرات، بهم خوردن تعادل و تخریب میشود، دگرگونی محیطی به وجود می آید، عوامل مختلفی در دگرگون سازی محیط روستایی مؤثر است که عوامل انسانی اعم از نهادهای دولتی و خصوصی نقش اساسی تری ایفا مینمایند. در این زمینه دگرگونی روستا بعضاً بار منفی ندارد و ممکن است این دگرگونی در راستای به سازی و نوسازی روستا باشد که در طرحهای هادی روستایی قابل مشاهده است.

سیستم (System):

نظام (سیستم) را به سادگی میتوان "کلیتی متشکل از اجزای مرتبط" تعریف کرد. در اینجا، منظور از نظام مجموعه‌های از ساختها، روندها و فعالیتهای مرتبط و همپیوند است که با تشکیل کلیتی یکپارچه، دستهای از روابط و عملکردها را امکانپذیر میسازد. اینگونه مجموعهها معمولاً جزیی از یک نظام بزرگتر هستند که آن نظام بزرگتر نیز به نوبه خود، جزیی از نظامی بزرگتر از خود بشمار میرود. مجموعه یا گروهی از اشیاء یا پدیده های مرتبط یا غیر مرتبط است که هدف یا اهدافی خاص را دنبال می کنند، به گونه ای که واحدی پیچیده را تشکیل دهند. سیستمها گاه بسته هستند یعنی روابط بین اجزاء درونی برقرار است و با خارج از محدوده ارتباطی صورت نمیگیرد و گاه سیستم باز عمل میکند یعنی نه تنها این سیستم روابط مستحکمی بین اجزاء خود دارد بلکه این روابط خارج از سیستم نیز برقرار است، در علوم طبیعی سیستمها اغلب اینگونه عمل میکنند. سیستمها دارای یک تعادل هستند که نباید در آن خللی ایجاد شود، اگر یکی از اجزاء سیستم دچار نقص شود به کل سیستم آسیب میرساند و در فعالیت سیستم خلل ایجاد میشود. سیستم در کلیت وجود خود خواصی را ظاهر می سازد که در اجزای تشکیل دهنده آن به تنهایی وجود ندارد که از ارتباط اجزاء با یکدیگر و نحوه ترکیب نظم و سازمان یافتن آنهاست. سیستمها دارای: سلسله مراتب، همبستگی بین اجزاء، تناسب بین اجزاء، گرایش دایره وار، خاصیت تولید مثل، همپایی، گرایش به فنا، گرایش به تعامل، گرایش به تعادل یا خود نگهداری پویا، مرز و باز خورد هستند. عناصر سیستم نیز شامل:

۱- درون داد (اراده ها)

2

۲- فرایند تبدیل

۳- برون داد (ستاده)

۴- باز خورد (بازداد) است.

جی فارستر^{۲۵} تفکر سیستمی را بخشی از حوزه‌ی پویایی‌شناسی سیستم میداند، برای آزمودن ایده‌های جدید سیستم‌های اجتماعی، به روشی بهتر و مشابه با روش آزمودن ایده‌های نیاز است. تفکر سیستمی این امکان را فراهم می‌کند تا شناخت دقیقی از سیستمها و بهبود آنها به دست آوریم. تفکر سیستمی بر این متمرکز است که چطور موضوع مورد مطالعه با سایر

^{۲۰} Natur

^{۲۱} input

^{۲۲} transformation

^{۲۳} out put

^{۲۴} Feedback

^{۲۵} Jay Forrester

اجزای سیستم در تعامل است. این بدان معنی است که به جای اینکه اجزای کوچک تر سیستم به طور جداگانه مورد مطالعه قرار گیرند، تفکر سیستمی چشم انداز خود را گسترش می دهد تا تعداد تعاملات بیشتری را در نظر بگیرد.

پایداری (Sustainability):

هدف از ارزیابی پایداری آن است که از سهم بهینه طرح و فعالیت ها در توسعه پایدار اطمینان حاصل شود. (افراخته و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). یکی از مفاهیم کلیدی در اقتصاد، مدیریت و غیره پایداری است. نخستین بار، دانشمندان محیط زیست بودند که به مفهوم پایداری توجه کردند و این اصطلاح، به تدریج در سایر حوزه های مدیریتی نیز فراگیر شد و جایگاه خود را پیدا کرد. مک الروی اعتقاد دارد، اصطلاح پایداری در نوشته های مدرن، نخستین بار توسط یک معدن دار آلمانی به نام هانس کارلوویتز مطرح شده است. او از این اصطلاح برای توصیف شیوهی درست جنگل داری استفاده کرد: پایداری یعنی اینکه همزمان با کسب سود امروز، به اثرات باند مدت خود و دوام منابع برای بهره برداری از منابع نیز فکر کنیم. برخی پایداری را معادل ثبات میدانند. پایداری واژه ایست که اغلب همراه با توسعه و توسعه پایدار^{۲۷} اطلاق میشود؛ توسعه پایدار در خود پایداری تکنولوژیکی و اکولوژیکی را به همراه دارد.

مزیت (Advantage):

مزیه، فضیلت و فزونی و برتری، جمع مزایا، افزونی و زیادت و فضیلت، فضیلت، استعلاء، امتیاز، طائل، افزونی، تفوق (دهخدا، ۱۳۱۰). مزیت دو نوع است مزیت نسبی و مزیت رقابتی، آن برتری که وجود دارد مزیت نسبی است و آن برتری که کسب میشود مزیت رقابتی است که آن را باید بدست آورد. مزیت بیشتر در مفاهیم اقتصادی کاربرد دارد و علاوه بر دو نوع مزیتی که بیان شد گاهی یک مزیت مطلق نیز استفاده میگردد و آن بدان معناست که وقتی بهره وری یک فرد، بنگاه یا یک ملت با دیگری مقایسه شود اقتصاددانان آن را مزیت مطلق میدانند. شاید از نگاهی متفاوت میتوان گفت مزیت در واقع استفاده به موقع از فرصت است.

مخاطرات محیطی (Environmental Hazards):

مخاطره یک اتفاق فیزیکی، پدیده یا فعالیت انسانی است که میتواند بالقوه خسارتزا باشد. انواع این خسارات عبارتند از آسیبهای جانی، مالی، عملکردی، از همگسیختگی اجتماعی و اقتصادی و یا تخریب محیط زیست. یک پدیده طبیعی که در مجاورت سکونتگاههای انسانی و به شکل یک تهدید برای مردم، ساختارها یا سرمایه های اقتصادی روی میدهد و ممکن است منجر به بحران شود. مخاطرات طبیعی به دلیل شرایط و فرآیندهای بیولوژیکی، زمین ساختی، زمین لرزه ای یا هواشناسی در محیط طبیعی به وجود می آیند. مجموعه ای از کل فاکتورهای فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی که در اشکال مختلف با فرد، اجتماع و جمعیت ارتباط پیدا میکند، محیط زیست نام دارد. محیط زیست طبیعی، مجموعه عوامل زیستی و محیطی است که در غالب محیط جاندار و غیر جاندار (فیزیکی، شیمیایی) که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر میگذارد و از آن تأثیر میبینند. طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی است، که منحصراً در نظر گرفته میشوند، در حالی که عبارت محیط زیست با توجه به برهم کنشهای میان انسان و طبیعت و از دیدگاه آن

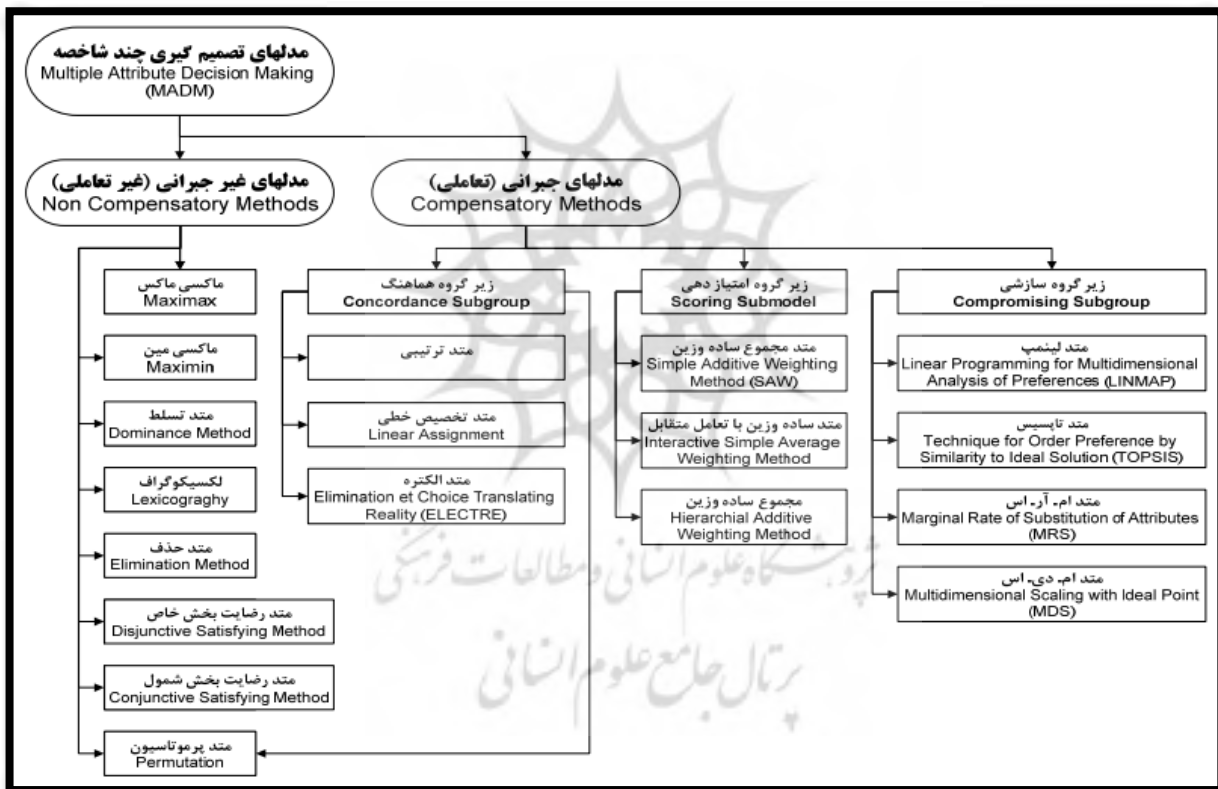
^{۲۶} Stability

^{۲۷} Sustainable development

توصیف شده است. در کشور ایران ۹۳ درصد مناطق زلزله خیز است و ۵۰ درصد آن در معرض سیلاب قرار دارد، بیشترین تهدیدها مربوط به سکونتگاههای روستایی است لذا با توجه به اینکه روستاها مجموعه بهم پیوسته از عوامل محیطی و انسانی هستند که در یک محدوده جغرافیایی مشخص شکل گرفته اند، وجود فعالیتهای گوناگون، مکانهای عمومی و شبکه ارتباطی در همه آنها مشترک است وقوع چند بحران همزمان در این نواحی غیرعادی تلقی نمیشود (ریاحی و قادرمرزی، ۱۳۹۶).

روش کمی و کیفی (Quantitative and Qualitative Method):

تعریف روش کمی^{۲۸}؛ روش هایی هستند که بر مبنای ماتریس D عمل میکنند و آن را مبنای تعیین ضریب اهمیت شاخص ها قرار می دهند (آذر و رجب زاده، ۱۳۹۳: ۵۰). انواع روش های کمی، شامل مدل های چند شاخصه^{۲۹} است که بر مبنای زیر گروه جبرانی و غیر جبرانی همانند شکل ذیل طبقه بندی میشود:



شکل ۱۲: مدل چند شاخصه $MADM$.

به عبارتی به کلیه روش های آماری بر اساس رتبه بندی، سطح بندی، درجه بندی که وابسته به آزمون آماری (به صورت دستی یا استفاده از نرم افزارهای مختلف اعم از *Excel, Spss, Matlab* و ... باشد) روش کمی اطلاق میگردد.

^{۲۸} Quantitative method

^{۲۹} MADM

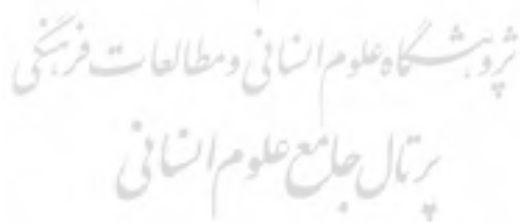
تعریف روش کیفی،^{۳۰} در این دسته از روشها، نظر سنجی از خبرگان مبنای تعیین اهمیت شاخصها خواهد بود (آذر و رجب زاده، ۱۳۹۳: ۵۰).

انواع روش های کیفی:

- نظریه مبنایی^{۳۱}
- مردم نگاری یا قوم نگاری^{۳۲}
- پدیدار شناختی^{۳۳}
- مورد پژوهی، نمونه پژوهی یا مطالعه موردی^{۳۴}
- تحلیل محتوا^{۳۵}

تقدیر و تشکر:

لازم است از جناب آقای دکتر عباس سعیدی و منابع علمی قابل دسترس ایشان که بخش مهمی از مقاله را تشکیل داده است تشکر شود. همچنین از جناب آقای دکتر حمید جلالیان، جهت ارائه بخشی از متن حاضر تقدیر می نماید و از زحمات دکتر فرهاد عزیزپور بابت ارائه مسئله موجود و کمک در تهیه و تنظیم آن، تقدیر و تشکر می گردد. متن حاضر شاید خالی از نقص نباشد بنابراین درخواست دارد جهت تکامل آن در مراحل بعدی، خوانندگان محترم، نقد و نظرات ارزشمند خود را با نگارنده در میان بگذارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^{۳۰} Qualitative method

^{۳۱} Grounded theory

^{۳۲} Ethnography

^{۳۳} Phenomenological

^{۳۴} Investigate/ Case Study

^{۳۵} content analysis

منابع و مآخذ:

- آذر عادل و رجب زاده علی، ۱۳۹۳، تصمیم‌گیری کاربردی رویکرد *MADM*، انتشارات نگاه دانش.
- آسایش، حسین؛ کوچکی نژاد ارم و ساداتی، فاطمه؛ ۱۳۸۴، سازماندهی فضایی روستاها از دیدگاه جغرافیای کاربردی (مطالعه موردی: شهرستان صومعه سرا)، مجله جغرافیایی سرزمین «تابستان - شماره ۶».
- احدنژاد محسن، موسوی میرنجف، محمدی سمیه و علیپور سمیه ۱۳۹۲، حکومت‌های محلی در حکمروایی خوب شهری در راستای تحقق توسعه پایدار، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.
- افراخته حسن، ۱۳۹۳، اقتصاد فضا و توسعه روستایی (مورد: ناحیه شفت)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱.
- افراخته حسن، ۱۳۹۵، فضای سوم و پدیده فراملت در شهر - ناحیه‌های پسا استعماری، نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۱۳۹۵؛ ۵ (۱۸): ۱-۲۶.
- افراخته حسن، ریاحی وحید، جوان فرهاد، ۱۳۹۴، پایداری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان رضوانشهر، نشریه جغرافیا، دوره ۱۳ (دوره جدید)، شماره ۴۶.
- افروغ عماد، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری اجتماعی "ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن"، نشر دانشگاه تربیت مدرس.
- پوراحمد احمد و قاسمی ایرج، ۱۳۸۹، مدل‌سازی معادلات ساختاری در برنامه ریزی شهری، مجله سپهر، دوره ۱۹، شماره ۷۸.
- تقی زاده فاطمه، ۱۳۸۴، پیوندهای روستایی - شهری و توسعه منطقه‌ای: بررسی تطبیقی شهرستانهای باغملک و اردکان، جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران) سال سوم، شماره ۶ و ۷.
- توفیق فیروز، ۱۳۹۵، آمایش سرزمین، پیدایش، تحول و مسائل مرتبط با آن، سمینار سیر تحول آمایش سرزمین در ایران "چالش‌ها و راهکارها".
- جلالیان حمید، ۱۳۹۵، در رابطه با دانش فضای جغرافیایی، انتشار نیافته.
- جوان جعفر، علوی زاده امیرمحمد، کرمانی مهدی ۱۳۹۰، نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: شهرستان سمیرم، نشریه جغرافیا، شماره ۲۹.
- رستم پور، هوشنگ، ۱۳۸۱، تبیین سازمان‌یابی فضایی سیستم‌های شهری، رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- رهنمودهایی برای آمایش سرزمین، سازمان خوار و بار جهانی، ۱۹۹۳، *FAO*.
- رکن الدین افتخاری عبدالرضا، بدری سید علی و سجاسی قیداری حمداله، ۱۳۹۳، بنیانهای نظریه‌ای برنامه ریزی کالبدی مناطق روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- رضوانی محمدرضا، صادقلو طاهره، فرجی سبکبار حسنعلی و رکن الدین افتخاری عبدالرضا، ۱۳۹۲، تحلیل و تبیین عوامل مؤثر در شبکه فضایی بازاریابی شیر در نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خدابنده - استان زنجان)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱.
- ریاحی وحید و قادرمرزی حامد، ۱۳۹۶، مدیریت بحران در نواحی روستایی، انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- رفیعیان، مجتبی، ۱۳۷۵، سازمان‌یابی فضا در ایران با تأکید بر سیستمهای شهری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، صفحه ۳۰۹.
- داداش‌پور هاشم و آتوسا آفاق‌پور؛ ۱۳۹۵، عقلانیت معرفتی و نظری نوین حاکم بر سازمان فضایی سیستمهای شهری، نشریه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۲.
- داداشپور هاشم و الوندی پور نینا، ۱۳۹۵، عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران؛ فرامطالعه چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۲۱ شماره ۳.

- دربان آستانه علیرضا و رضوانی محمدرضا، ۱۳۹۰. تبیین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت های محلی؛ مطالعه مورد: شهرستان قزوین، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۸.
- سجاسی قیداری حمداله و صادقلو طاهره، ۱۳۹۵، توسعه معیشت پایدار روستایی: راهبردها و راهکارها، ناشر تحقیقات آموزش.
- سعیدی عباس، ۱۳۹۱، مفاهیم بنیادین در برنامه ریزی کالبدی - فضایی (بخش نخست)، فصلنامه برنامه ریزی کالبدی - فضایی، سال اول - شماره اول.
- سعیدی عباس، ۱۳۹۲، مفاهیم بنیادین در برنامه ریزی کالبدی - فضایی (بخش دوم)، فصلنامه برنامه ریزی کالبدی - فضایی، سال اول - شماره سوم.
- سعیدی عباس، ۱۳۹۱، پویای ساختاری - کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱.
- سعیدی عباس، رحمانی فضلی عبدالرضا، عزیزپور فرهاد و بیات مصطفی، ۱۳۹۵، تحلیل فضایی ناحیه خمین با تاکید بر برنامه ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۲.
- سعیدی عباس، ۱۳۸۷، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ناشر موسسه فرهنگی، اطلاع رسانی و مطبوعاتی.
- شکوئی حسین، ۱۳۹۳، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)، ناشر مؤسسه گیتا شناسی.
- شریفی زینب، نوری پور مهدی، شریف زاده مریم. ۱۳۹۶، تحلیل آسیب پذیری خانوارهای روستایی بخش مرکزی شهرستان دنا: کاربرد چارچوب معیشت پایدار، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۴ (۲): ۳۶-۱۹.
- شیروان صادق، ۱۳۹۴، مبانی و روشهای تحلیل شبکه ای، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، *Fundamentals and Methods of Network Analysis*
- صادقی مجتبی، جوان جعفر و رهنما محمد رحیم، ۱۳۹۵، روش شناسی شناخت فضای جغرافیای چیست؟ (درنگی بر سرشت روش شناسی شناخت فضای جغرافیایی از چشم انداز پدیدارشناسی هرمنوتیک)، دوره ۷، شماره ۲۵.
- صرافی، مظفر ۱۳۷۷، مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- کاظم جاجرمی، ابراهیم کلتی، ۱۳۸۴، شهر و عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: گنبد قابوس) نشریه جغرافیای سرزمین، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۹۱-۱۰۴.
- کاویانی راد مراد، ۱۳۹۲، پردازش مفهوم «قلمرو» ازدیدگاه جغرافیای سیاسی، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره هفدهم، شماره ۴.
- کلاتری خلیل و عبدالله زاده غلامحسین، ۱۳۹۴، برنامه ریزی فضایی و آمایش سرزمین، انتشارات پردیس دانش.
- کلاتری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه ریزی و توسعه منطقه ای، خوشبین، تهران.
- هاگت پیتز، ۱۳۹۲، جغرافیا: ترکیبی نو (جلد اول)، ترجمه دکتر شاپور گودرزی نژاد، انتشارات سمت.
- فرهنگ لغات معین، لغات نامه دهخدا، فرهنگ لغت انگلیسی وبستر، فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد و دانشنامه لاتین.
- فلاحت محمدصادق، ۱۳۸۵، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- قیومی حمید ۱۳۹۴. «تعریف و تبیین علم آمایش سرزمین». پژوهشگاه شاخص پروژه.
- قره باغیان، مرتضی، ۱۳۷۵، اقتصاد رشد و توسعه، نشر نی، تهران.
- عزیزپور، فرهاد، ۱۳۸۹، نقش منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی (عسلویه) در تحول مکانی - فضایی سکونتگاه های روستایی مطالعه موردی: روستای اخند (ناحیه کنگان)، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۶، شماره ۱۹.
- عزیزپور فرهاد و محسن زاده آرمین، ۱۳۸۹، نظریه ها و رویکردهای سازمانیابی فضایی سکونتگاه های روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

- عظیمی حسین ۱۳۹۴، مجموعه نظرات علمای توسعه صاحب نظران اقتصاد ایران منتقد اقتصاد آزاد و دولتی، اقتصادگردان.
- مهدوی، مسعود ۱۳۶۹، مفهوم برنامه ریزی روستایی و اهداف آن، نشریه پژوهش های جغرافیایی، دوره ۲۶، شماره ۰.
- مهندسان مشاور فرهاد، ۱۳۸۴، گزارشی از ارزیابی ساختار فضایی.
- موزلی مالکولم جی، ۱۳۸۸، توسعه روستایی اصول و عملیات، ترجمه مجتبی قدیری معصوم و آئیژ عزمی، انتشارات دانشگاه.
- منافی آذر رضا و جلالیان حمید، ۱۳۹۴، اقتصادفضا، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- نقد شهرسازی ۱۳۹۷، سیر اندیشه ها در شهرسازی و مبنای برنامه ریزی شهری، منطقه ای و مدیریت شهری، کمیای فکر بزرگ.
- کاظمیان، غلامرضا؛ فرجکرده، خدر؛ پرهیزکار، اکبر، ۱۳۸۸، عوامل و متغیرهای مؤثر بر تبیین بخش مرکزی شهرهای میانی (مورد مطالعه: شهر بوکان)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۱.
- Bohansen, Rasmus., (2006), *Study onthe perception of Voluntary Counseling and Testing among people living in Tumu Sub-district (Sissala East District, Upper West Region, Ghana). Journal of Basic Studies of Social Science, Vol 3. No2, pp. 3-20.*
- Douglass, mike 1999, *Rural-Urban Integration and regional Economic Resilience: Strategies for the Rural-Urban Transition in northeast Thailand, Department of Urban and Regional Planning-University of Hawaii.*
- ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE Geneva, 2008, 5 .
- Friedmann, John (1978), "Agropolitan Development: Towards a New Strategy for Regional Planning in Asia", in: Lo, F.C. and Salih, K. (eds.), *Growth Pole Strategy and Regional Development Policy: Asian Experience and Alternative Approaches*, Pergamon, Oxford, pp. 163-192.
- Foucault, Michel (2005), "Of Other Spaces: Utopias and Heteropias", in: Leach, Neil (ed.), *Rethinking Architecture, A reader in cultural theory*, Routledge, London and New York, pp.329-357.
- Harvey, D., (2001), *Spaces of Capital: Towards a Critical Geography*, Edinburgh University Press, Edinburgh.
- Hensen, Henrik. , (2002), *Agriculture subsidy schemes. Journal of Encyclopedia of diarys ciencias. Vol4, No3, pp. 7-15.*
- Lefebvre, Henri (1991), *The Production of Space, Transl. by D. Nicholson-Smith, Blackwell, Oxford;*
- Weber, Alfred (1914), «*Industrielle standortlehre (Allgemeine und Kapitalistische Theorie des standorts)*», In: *Grundriss der sozialökonomik, 6. Abt. Tubingen.*
- Soja, A. Edward W& (2008). "The city and spatial justice", *Justice spatiale | Spatial Justice, n° 1.*
- Steele, Fritz (1981), "The Sense of Place", CBI Publishing Company, Boston.
- Werlen, Benno (1993), *Society, Action and Space - An alternative human geography, Transl. by G. Walls, Ed. by T. Brennan and B. Werlen, Routledge, London and New York.*